

بطرف جنوب سه فرسخ از نقطه تروت بطرف شمال يك فرسخ از نقطه تروت بطرف شرق دو فرسخ از نقطه تروت بطرف مغرب دو فرسخ .
حاج سيد ابراهيم - حالا که بنا شده است تعديلي بکنند بهتر اينست که عدد فرسخهای مربع راهم ذکر بکنند بجهت اينکه وقتیکه ذکر میکنيم از خط مستقيم فلانقدر ممکنست مربع باشد ممکن است غير مربع باشد خوب است که قيد شود ۱۶ فرسخ مربع .
دکتر اسماعيل خان - بنده همین را میخواستم عرض کنم وقتیکه حدود معين شد فرسخ هم بالطبع معين ميشود که ۱۶ فرسخ مربع خواهد بود .

حاج سيد ابراهيم - اگر ما ضلع رامين ميگرديم مربع هم معين بود اما محالاً قطر را معين کرده ايم که بگويم از نقطه تروت بطرف مغرب دو فرسخ و همچنين از تروت بجنوب سه فرسخ تا شمال يك فرسخ تا مشرق دو فرسخ و اين تعيين نقطه است اثبات مربع کردن نيست .

دکتر اسماعيل خان - مربع قطر ندارد دايره قطر دارد در يك مربعی وقتی که حدودش معين شد ضلعش هم معين ميشود هر ضلعش چهار فرسخ در چهار فرسخ ۱۶ فرسخ است .
حاج عز المالك - اينجا اگر چه معين شده است مربعش راهم تعيين قيد بکنند ضرر ندارد بنويسند شازنده فرسخ مربع بطريق ذيل آنوقت حدودش هم معلوم است .

بجهت - در خصوص خط که سبب میکنم که يك خط مستقي است بطرف شمال و دیگری بطرف جنوب ولين هر دو خط تقاضيم میکنم در يك نقطه که مثلا تروت است آنوقت ممکن است خطی که محیط بر این سطح محیط که ما فرض کردیم که حادث ميشود از تقاطع این دو خط مربع باشد و ممکن است دايره باشد و اينجا بچهار زاويه که معين است محدود بشود ما در داخل آن سطح فرض میکنم دو خط که یکی از شمال بجنوب یکی از مشرق به مغرب این چهار خط لکن آن سطحی که آن دو خط بر آن فرض شده است ممکن است آن دو خط متعيني باشند ممکن است مستقيم باشند باين واسطه سطح این دو قسم خط فرق نمیکند باين جهت بايد معين بشود که سطحی که اين خطوط در آن تقاطع میکنند آن سطح بطور دائره است یا در اطراف خطوط بطور تقاطع میکنند که زوایای اربعه حاصل شود و مربع ميشود .

افتخار الواعظين - خبایي خوب است مباحثات آن منجر شود بطلاشوی کوه زر و منجر به مباحثات هندسی نباشد و شاید بنده هم در هندسات بي اطلاع نباشم چون آنروز گفته شد که اطراف و جهات اربعه در حوزهای امتیاز معين نيست نمیتوان در اين خصوص رأى داد رئیس کمیسیون فواید عامه آن روز معتقد بقتل شدند که از روی نقشه معين کنند و حالا معين کرده اند خوب است و راپورت آن را از روی نقشه داده اند خوب است مباحثاتی که می کنید در ذیل همین ماده امتیاز نامه بکنيم و منجر بحساب و علم هندسه نشود .

آقای میرزا ابراهيم خان - اینجا بنده ميجورم تکرار کنم اين مسئله را که مادر يك موضوعي حرف ميزنيم که چه از آن اراضی يك فرسخ معين کنیم

چه ده فرسخ چه بیشتر بهيچوجه من الوجوه نه برای دولت اسباب ضرر است نه برای ملت اسباب نجات بلکه برای صاحب امتیاز بطوریکه خواسته است از اين راه يك فایده ای برده باشد می تواند برای او فایده و بهره داشته باشد پيشنهادهای که از طرف خود آقای صنيع الدوله شده بود اگر چه پیش از اين بطبع رسیده بود و به آقایان محترم هم داده شد در آن پيشنهادهای می گوید خواهنده امتیاز با اجازه داده شود که در اين اراضی ناهر اندازه که خاکه طلا در آن پيدا شود دو مکتان است طلاشویی شود یا اجازه داده شود چنانچه نسخه خط آقای صنيع الدوله ميگويد .

ماده ۱ محل امتیاز اراضی معروف بکوه زر است - بهر وسعتی که علامت طلا در آن یافت شود و اگر صاحب امتیاز در اراضی آن حول و حوش زمینهای دیگری که دارای طلا باشد منکشف نماید آن اراضی هم داخل در آن امتیاز خواهد بود اين اراضی چنانچه هم می دانيم عبارت است از يك کويری که بدون سکه بدون آب بدون سکوتی که خواهنده اين امتیاز ناچار است که مقدماً مبلغ گزافی آنجا خرج کند تا اینکه اسبابی را که در دفتر بتواند آنجا کار بکنند فراهم بیاورد با وجود اين وقتیکه اومجور شد که در يك همچو جانی يك همچو اداره ای تأسیس بکنند ما او را محدود میکنيم که هيچ نتواند در آن حدودی که ما با او می دهيم مقصودش حاصل شود يعنی در آن حدودی که ما معين و امتیاز می دهيم ممکن است هيچ طلا در آن حدود پيدا نشود چه کند آنوقت خواهنده اين امتیاز دوباره بايد تحصیل اجازه بکنند یا اینکه بالمره تمام مخارجی که کرده است از میانه برود و متضرر شود پس بنده نظریان وظیفه خودم که بايد حفظ حقوق وفواند موکلين خودم را کرده باشم می بینم که اگر اين امتیاز همان طوریکه خواهنده آن تقاضا کرده است باو داده شود ضرری بهيچ جا در اساس حقوق مملکتی وارد نخواهد شد که موافق همین ماده که پيشنهاده کرده باو اجازه داده شود در اراضی که طلا یافت میشود نه در اراضی که ما ندانسته از روی خیال باو اجازه می دهيم پس بنده تکرار می کنم همین ماده اول را که اجازه داده شود صاحب امتیاز که در اراضی که طلا یافت میشود او اجازه دارد طلاشویی کند که فایده برده باشد و کرده می ترسم در این حدود که ما معين می کنیم هيچ طلا پيدا نشود و از تمام اين زحمات هيچ بهره ای نتواند عايد نماید .

وزیر مالیه - در باب این دواير ثلثه که دایر است و حقوقی که دریافت می کنند بنده تقاضای کرده ام و پيشنهاده می کنم فوریت آن را دیدم بکنند بعد از جلسه علنی يك جلسه خصوصی هم تقاضای کنم از برای اینکه يك مطلب دارم .

رئیس - عهده برای رأى گرفتن کافی نيست منتصر السلطان - پس این بايد بماند و چه بايد کرد و تکليف مجلس چه می شود تقريباً هفتاد نفر نمایندگان بواسطه دوسه نفر معطل بمانند و اين مسأله هم که آقای آقامیرزا ابراهيم خان فرمودند اگر بماده دهم نظر می کردند میدیدند که تماماً در آن ماده هفتم ذکر شده است

رئیس - چون عهده کافی شده است رأى بیگیريم .
دکتر رضاخان - فرسنگ مبهم است .
ارباب کيخسرو - از برای آنچه اسباب اشکال نشود تقاضا میکنم معین کنند فرسخ چند هزار ذرعی .
منتصر السلطان - فرسخ شش هزار ذرعی است هر ذرعی شانزده گره .
بجهت - اگر این امتیاز طلاشویی با تعاونی که آقای میرزا ابراهيم خان فرمودند صاحب امتیاز داده شود بنده عرضی ندارم اما اگر بنا شود که يك قطعه مخصوصی باشد باين حدود معين نمی شود و حد هم خطوط مسی اليه سطح است لا اول بايد بفهميم که چند فرسخ مضروب است یا چند ميل است که میزانی باشد ما حد این سطح را فرض نکردیم که بر آن خطوط معینی باشد حدودش آنجائی که منتهی بزوايا باشد اگر خطوط مستقیمه بر آن احاطه کنند والا همان منتهی دايره است باين طريق که اینجا ذکر شد محدود نمی شود و اگر محدود نشود فایده ندارد این است که اگر کسی دیگر امتیاز بگیرد ما بين او و آقای صنيع الدوله نزاع ميشود ناچار حد این سطح را بايد معين کرد .

دکتر اسمعيل خان - بنده تقاضا میکنم که در آخر ماده نوشته شود که سطح اراضی حوزة ۱۶ فرسخ ۶ هزار ذرعی مربع خواهد بود .

معاون وزارت فواید عامه - در خصوص مدت امتیاز گمان میکنم که کمیسیون چندان تأمل نکرده بجهت اينکه مدت امتیازات بايد نسبت به اهمیت امتیاز و سرمایه امتیاز باشد شاید در کمیسیون تصور کرده اند که امتیاز چیزی است بوضی که تا بحال داده شده است و برای آن سی سال فرض کرده است و بنده عرض میکنم بمناسبت این امتیاز که خیلی خرج دارد و مخارج آن خیلی خیلی گراف تر از آن چیزی است که ملاحظه کرده اند و از فراربی که معلوم و تحقیق شده است معلوم ميشود طلاشویی در ده ذرع زیر زمین است و برای اینکار ماشینها و اسبابها و ادوات زياد لازم دارد و گمان میکنم سی سال از برای این مخارج کفایت نمیکند و زحمات او بامدت امتیازش مناسبت صحیحی ندارد و غالب مدتهايیکه برای این کارهای عهده است و غالباً دیده ايم ۹۹ سال خواهد بود که بخارجها داده اند و همین اندازه ها کمتر نيست و در این موقع که صاحب امتیاز داخلی است اگر این مرعات نشود گمان میکنم يك استثنای فوق العاده نشده است و يك ضرری هم بدولت و ملت زده نشده است که يك کسی که کار بکنند از سرمایه و عایدی خودش يك مقداری بکار بیندازد بر فرض اگر این نباشد کسی دیگر خواهد بود و باز هم شرایط را اضافه بر این چیز قبول نخواهد کرد منتهی تا آخر این مدت صاحب امتیاز میتواند ناهر اندازه که سرمایه لازمش شود بکار بیندازد و هيچ دفعه ای از برای اینکه این مدت کم است و این سرمایه را اگر بکار بیندازد هدر خواهد رفت باين واسطه تقاضا میکنم تأملی فرمائید در مدت اقل همان چیزی را که صاحب امتیاز خودش خواسته همانطور باشد باين مدتی که تقريباً نزدیک بآن مدت باشد .

منتصر السلطان - در کمیسیون این فقره خیلی مطرح مذاکره بود کمیسیون بعد از مذاکرات و مباحثات زياده ۳ سال تصویب کرد و نظریات کمیسیون این بود که صاحب امتیاز در این مدت بهره ای پیدا نمیکند بکنند که بهره ای پیدا نکنند و منتفع نشود عیش چیست که ۹۹ سال مدت قرار میدهند و اگر بهره داشته باشد با تساوای شروط ایشان حق تقدم دارند بر دیگران و اگر صدی يك یا صدی دو هم تفاوت داشته باشد تساوای شروط باشد با ایشان بر دیگران حق تقدم خواهند داشت و الا در ۳۰ سال اضافه کردن در حقوق دولتی چه ضرر دارد دولت و اگر بکنند با او در این مدت را اگر فایده کرد یا تساوای شروط با حق تقدم خواهند داشت .

حاج شيخ اسدالله - بنده مخالفم با آقای معاون هم با آقای مخبر این اندازه راهم زیاد میدانم هر چه ما بتوانيم در خصوص این قبیل امتیازات مدت را کمتر قرار بدهيم صرفه دولت بیشتر خواهد بود و اگر نباشد که نتیجه حاصل شود گمان میکنم که بیش از این ضرری عاید او نباید بشود و آن اندازه زياد است اگر ده سال تصویب کردند چه بهتر والا ۲۰ سال بیشتر را بنده تصویب نمیکتم .
منتصر السلطان - در این مسئله که ده سال بایست سال فرمودند این را بنده رد میکنم بجهت اینکه مبلغ زيادی بايد اسباب و لوازم اینکار راهم بکنند و

مبلغ زيادی پول بمصرف برساند برای ده سال و بیست سال کسی نمی تواند داخل در يك همچو کاری بشود و باين جهت بنده تقاضا میکنم که رأى گرفته شود .

رئیس - رأى میگیريم بر ماده دوم امتیاز طلاشویی کوهور موافق راپورت کمیسیون که این مدت را تصویب کرده است بطريقی که خواننده شد کسانیکه موافقتند قیام نمایند . ( اغلب قیام نمودند و به اکثریت تصویب شد )

رئیس - چون آقای وزیر مالیه تقاضای جلسه خصوصی کرده اند حالا مجلس خصوصی ميشود .

کاشف - چوی اعضای کمیسیون فواید عامه با اجازه و بی اجازه غائب شده اند و عهده برای مذاکره کفایي نيست خوب است در جلسه آتی بجای آنها انتخاب شود که سایر اعضای کمیسیون بجهت کمی عهده معطل نمانند .

دکتر امير خان - آقای حاج فاتح الملك که در کمیسیون نظام عسويت داشتند و استعفاء از نمایندگی داده اند خوب است يك نفر در جلسه آتی بجای ایشان برای کمیسیون نظام منتخب شود .

رئیس - دستور جلسه آتی - شورا ثانی در تشکیلات امتیاز طلاشویی کوهور - شور ثانی در تشکیلات اداری فواید عامه و بقیه آنچه که در دستور باقی مانده راپورت کمیسیون بود چه راجع به مستوری و زمینه مردم قاضی و مرحوم حامد الملك .

مجلس سه ربيع از شب گذشته خصوصی شد )

جلسه ۱۸۵

صورت مذاکرات روز سه شنبه شهر ذی حجة الحرام ۱۳۲۸
مجلس در ساعت قبل از غروب آفتاب بر ریاست آقای ذکاء الملك تشکیل شد .
صورت جلسه روز سه شنبه صلحاً آقای معاضد الملك قرائت نمود .
غائبین جلسه قبل - سیه دار اعظم - سردار اسعد بی اجازه - آقا شيخ رضا - ممتاز الدوله - حاجی وکیل الرعایا - حاج محمد کریمخان - لواء الدوله با اجازه غائب بودند .
وحید الملك - آقا شيخ حسین زیدی - دکتر امیرخان - مستشار الدوله - تربیت - معاضد السلطنه - دکتر اسمعيل خان - آقامیرزا اسدالله خان - شیبانی - آقا سید حسين اردبیلی - مزرع الملك - آدینه محمد خان - انتصار الراعظين - حاج آقا - دهمدا آن سید محمد باقر ادیب - آقا محمد بروجردي نیر السلطان - حاج شيخ اسدالله - مشیر الدوله در موقع مفره حاضر نشده اند .
رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست فرمائید .
حاجی سیده ابراهيم - در جلسات سابق قضیه تجزیه بلوچ از کرمان جزء دستور بود و در اینجا جزء قضیه بلوچ در آن است وقتی که از کمیسیون بر گشت آنوقت رأى فوریت آن بیگیريم .

نماید اسباب تکدر و از چار خاطر اهالی شده واز طرف دیگر برای مخارج امنیه و نظمیة ناچار است محلی تهیه کند که تا درجه ای کسر بود چه مرمت و اصلاح شود و وزارت مالیه تصور میکند مالیات ثبانی که ناچاره ای اخذ آن بیشتر از سایر مالیات ها اسباب زحمت در عایا را فراهم آورده و علاوه وصول آن مشکل است و مخارج اداری آن زياد و كذلك مالیات رسومات که بملاحظاتی وزارت مالیه اخذ آنها را صلاح نمیداند از ابتدای وضع این قانون موقوف در مقابل بملاحظه جبران کسری که از این راه عاید بوده مملکت ميشود بمالیات تریاک افزوده کردد یعنی بوض مقالی ۴ شاهی من بعد مقالی سمسد دینار اخذ شود اگر چه این افزایش بکلی جبران کسر بود چه که از راه موقوف کردن عایدات قبان و رسومات می شود نمیکند ولی در مقابل اسکات خاطر اهالی ترفیحه حال رعایا را کلا جبران می نماید و از برای انجام این مقصود مواد ذیل را وزارت مالیه مصمم است سی اس تصویب آن هیئت مجترم به مجلس شورای ملی تقدیم نماید .
(۱) - از ابتدای وضع این قانون حاضر معالمانی که با مقیابن و رسومات از ابتدای مشروطیت حاضر دولت اخذ ميشود موقوف خواهد بود .
(۲) - آنچه سابقاً اسم مالیات خانان و قیامنداری دولت اخذ ميگردد و جمع مالیات بود کما فی السابق بايد وزارت مالیه دریافت نماید .
(۳) - هر مقال تریاک و شیره دولت من بعد مقالی سمسد دینار مالیات اخذ میکنند .
(۴) - تریاک که از مملکت بعنوان تجارت خارج ميشود از ادای مالیات معاف است .
(۵) - وزارت مالیه از برای انجام این کار يك اداره مرکزی تأسیس میکنند .
(۶) - برای اجرای این قانون و چاره گیری از قاچاق وزارت مالیه نظامنامه مخصوصی باید معین و اجرا نماید .
رئیس - این لایحه قانونی رجوع ميشود بکمیسیون قوانین مالیه که گزارش خودشان را در این باب بکنند و خواهش میکنم از آن کمیسیون که زود تر راپورت بدهند .
ارباب کيخسرو - بنده میخواستم عرض کنم که خیلی بايد متشکر باشيم از وزیر مالیه که چنین چیزی را پيشنهاده کرده اند ضمناً خواستم عرض کنم که این مسئله خیلی اسباب زحمت شده است و وزیرت دارد و هر چه زود تر این مسئله از کمیسیون قوانین مالیه بیگذرد که اسباب رفاهيت مردم خواهد بود .
رئیس - در جلسه قبل آقای وزیر مالیه که این لایحه را پيشنهاده کردند فوریت آنرا هم تقاضا کردند در فوریت آنهام باید رأى گرفت و گمان میکنم که بهتر آن است وقتی که از کمیسیون برگشت آنوقت رأى فوریت آن بیگیريم .
آقای میرزا ابراهيم خان - بنده بطور کلی موافقم با آقای ارباب و متشکر از وزیر مالیه که کلبه وجوده بیکه از بابت این سه فقره گرفته شده است





بجهت -- با این حق که صاحب امتیاز دانه میشود هیچوقت کسی پیدا نخواهد شد که این امتیاز را بگیرد... اما این امتیاز را باید از اینجا بر - کس اقدام نخواهد کرد این ماده باید از اینجا بر - داشته شود... این امتیاز است هیچکس پیدا شرط حق تقدم با صاحب امتیاز است هیچکس پیدا نخواهد شد که با این شرایط قبول کند -

محمّد هاشم میرزا - البته معلوم است صاحب امتیاز لابد حق سبقت و تقدم خواهد داشت و اگر کسی پیدا شد که شرایطش بهتر باشد یا داده میشود و اگر خودش بآن شروط قبول میکند آنگاه با او حق اولویت میدهم این محتاج مذاکره نیست -

منتصر السلطان - این ماده در واقع بمنافع دولت است بنده که یکی از افراد مت هستم پس از انتضای مدت می آیم بوزارت فوائد عامه میگویم که یک دم یک با دو ده یک علاوه میدهم یا صدی دوازده بدولت میدهم این برای این است که صاحب امتیاز حق تقدم دارد این ضرری ندارد در اینصورت اگر او بآن اضافه قبول نکردد بن و گذار میشود رئیس - رای میگیریم بر ماده بطریقی که خوانده شد کسانیکه موافقت قیام نمایند اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد -

ماده دوم بمضمون ذیل قرائت شد - ماده ۱ - هر گاه در طول این مدت یک سال بدون اجازه وزیر فوائد عامه صاحب امتیاز در کار عملیات طلاشویی تعطیل و تاخیر نماید این امتیاز لغو و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود -

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض می کنم که در اینجانب باید نوشت بدون اجازه وزیر باید نوشت بدون عذر والا ممکن است هر وقت که میاش کشید برود و وزیر را راضی کند در یک سال و دو سال ول کند این امرش چه چیز است مگر که عذر صحیح داشته باشد عذرش اینجاقط میشود بدون اجازه وزیر و الا عذرش معلوم نیست -

ارباب کیخسرو - بلی بنده عرض می کنم که بدون اجازه وزیر فوائد عامه را مبدل کنند به (بدون اجازه وزارت فوائد عامه و تا عذری از او نییند که وزیر بجهت باو اجازه نمیدهد و هر گاه بخواهم اینقدر در این خیالات مذاکرات و صرف وقت بکنیم گمان میکنم که همین احتمالات عقابدر انجام میرود که بلاعذر بنویسند -

محمد هاشم میرزا - اگر این باب مفتوح شد که میروند وزیر را می بیند هیچ کاری پیشرفت نخواهد داشت این احتمال همه جا در هر مودی تصور میکنم که بوزیر رجوع میکنند و وزیر اجازه میدهد که دو سال تعطیل کند -

رئیس - رای میگیریم بر این ماده بطریقی که خوانده شد کسانیکه تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد - ماده ۱۱ بمضمون ذیل قرائت شد - صاحب امتیاز در مدت دو سال از تاریخ امتیاز در حوالی خارج از حوزه امتیاز در حدود دوازده ماه در خارج از حوزه امتیاز در صورت کشف معدن بر حسب قانون معادن امتیاز باو داده خواهد شد - حدود تقشیش معادن در کویر مرکزی جنوبا چندن شرقا نهانی دستجرد غربا سیاه کوه -

افق خازن الواعظین - بنده هیچ این ماده را نمی فهمم و عرض می کنم که در ذیل هیچ امتیازی که امتیاز دیگر را رسم نیست بدهند یک امتیازی که خود آن امتیاز ۱۶ فرسخ مربع است نامیده می شود بامتیاز طلاشویی معادن کویر زرتوت باز می خواهم بموجب این ماده یازده حق بدهم بصاحب امتیاز در سایر نقاط کویر مرکزی و بنده عقبه ام این است که هر قدر امتیازات بیشتر داده شود بهتر است برای اینکه این تقشیش يك ضرری بر آن مترتب نخواهد شد هر قدر تقشیش می کند اگر معدنی کشف شد امتیاز میخورد بنده باین مخالفت ندارم ولی عرض می کنم که خیلی مخالف است که در ذیل يك امتیاز يك امتیاز دیگری بدهم -

منتصر السلطان - در این مسئله اظهار می کنند و رد میکنند اینطور نیست هر يك از افراد ایرانی حق تقشیش دارد که هرجائی احتمال معدن میدهد تقشیش کند و اگر چیزی را کشف کرد نباید امتیاز او را بگیرد و هر قسم امتیاز که باشد منتهی صاحب این امتیاز از مجلس شورای ملی درخواست می کند که حق تقشیش ان را بن بدهم و من اگر چیزی در آنجا کشف کردم دولت امتیاز بمن بدهد فقط يك حق تقشیش باو میدهند و امتیاز نیست -

آقا میرزا مرتضی قلیخان - بنده معنی این فقره را هیچ نمی فهمم که مقصود از این مطلب چه چیز است مطلب بر دو قسم است یا امتیاز است یا انحصار اگر امتیاز است که مجلس شورای ملی بنام افراد ملت حق میدهد که هر وقت که تقشیش کنند و هیچکس را مانع نیست که تقشیش کنند یعنی هر کس حق دارد که تقشیش کند که فلان محل محل فلان چیز است یا نیست اما قیدی که در اینجا نوشته شده است که در صورت کشف بموجب قانون معادن امتیاز باو داده خواهد شد این محقق است که هر کس حق دارد تقشیش کند و معدنی را که کشف کرد بایا اظهار بکند و امتیازش را بگیرد و این قید که حق تقشیش منحصر بیک محل مخصوص باشد گویا آقایان از این حدودی که در این نقشه نوشته است مسبوق نیستند این مشتمل است بر تمام کویر مرکزی که يك مقدار کاش خارج میشود و از این طرف می آید بخار و سیاه کوه و ده نمک و همینطور می آید تا حدود کرمان و اگر بنا باشد که این اندازه زمین را انحصار بدهم عقبه ام نیست بکنم که سهل است يك کمیانی هم داده شود نمی تواند که در مدت دو سال تمام این اراضی را تقشیش بکنند پس در واقع معنی آن احتکار میشود و بنده احتکار در همه چیز راجح بودم ولی احتکار در معادن نشنیده بودم پس خوب است که این ماده تقشیش حذف شود که ابدا نتیجه ای برای اینکار نمی بینم بجهت اینکه کسی که در يك نقطه رفت و مشغول کردن معدن طلا شد و در ضمن يك معدن دیگری را پیدا کرد و بمجلس شورای ملی اطلاع داد لابد باو امتیاز خواهد داد و محققاً در يك معدن دو یا بیست معدن را میتواند امتیاز بگیرد و کار بکند ولی نمیتوان که در اینکه دو سال بکلی پای سایرین را منقطع کرد که نتوانند داخل آن حوزه بشوند بنده این را در می بینم و نمی توانم تصویب کنم مجلس هم گمان نمیکنم تصویب کند -

حاج سید ابراهیم - بنده موافقم و علاوه عرض میکنم ما باید سابقه و ملاحظه را بکنیم يك صورتی چاپ کردند در باب معادن دست ما دادند که مدانی که در املاک شخصی باشد تکلیف خاصی دارد و حالا اجازه میدهم بآن کسیکه این امتیاز را دارد اسباب مزاحمت میشود هم برای آن اشخاصی که معادن در املاک آنهاست و هم برای صاحبان امتیاز که حق تقشیش و تفحص دارند پس این ماده هیچ ربطی بطلاشویی ندارد و باید حذف شود -

منتصر السلطان - گویا نقشه ای که تقدیم شده است نمایندگان محترم ملاحظه فرموده اند اینجا کویر مرکزی است دهات و بلوگات و فریه جات ابدأ در کویر مرکزی نیست و در کویر مرکزی حق تقشیش را میگیرد نماینده تصور میکنند در املاک و بلوگات مردم تصرف می کند هیچ همچو چیزی نیست این یکی از نقشه هاست که در دست بنده است اوقف دو ساله حق تقدیم می خواهد برای تقشیش اگر مجلس شورای ملی صلاح میدانند رای می دهد اگر صلاح میدانند رای نمی دهد -

پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بمضمون ذیل قرائت شد - این بنده پیشنهاد می کنم ماده ۱۱ که در مسئله تقشیش معادن است حذف شود -

رئیس - رای می گیریم بر این پیشنهاد کسانیکه موافق با این پیشنهاد هستند که این ماده ۱۱ حذف شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد که حذف شود (در این موقع آقای صنیع الدوله وزیر مالیه با هیئت وزراء وارد شدند -

وزیر مالیه صنیع الدوله - بنده این امتیاز را پس می گیرم باشد همانجا برای آیندگان -

رئیس - آقایان وزرا تقاضای کمیسیون مرکب از یازده نفر کرده اند -

حاج آقا - چون بعضی شواولات بود که باید از آقایان وزرا بشود چه تصور میکردم آقای رئیس اطلاع دادند بهیئت وزراء چون جمعی از نمایندگان که یکی از آنها بنده هستم میخواستند گفتگو کنند و هم خوبالی می کردم که خبر دادند تشریف آورده اند برای این منصب حالا نمی دانم علاوه بر این کمیونی که خودشان تقاضا کرده و تشریف آورده اند بجهت آن پیشنهادی که از طرف نمایندگان شده است حاضر هستند برای جواب و اطلاع داده شده یا داده نشده -

رئیس - ملاحظه فرمائید آقایانی که شوالاتی دارند از وزراء فرمائید و با ایشان اطلاع داده می شود شواالی که شده است و اطلاع داده ایم باید حاضر شوند و جواب بگویند و اما برای مذاکره بطور مطلق بنده نمی دانم که بطور مطلق صحیح است که با وزراء صحبت شود یا خیر -

حاج آقا - آن مطالبی که ما تقاضا کرده ایم از آقایان وزراء از آنجمله در آن کابینه سابق که يك انتظامی در باب بودجه داده ولی آن ده نفری که پیشنهاد کردند بجهت بعضی مذاکرات با آقایان وزراء عرضشان استیضاح نبود و سؤال هم نبود و آن مطلب نوشته شده بود در آن پیشنهاد که خدمت آقای رئیس است و آن اهم مطالب است که خیلی از این مطالبی که جزء دستور مجلس نوشته میشود مهمتر است و او این مطالبی است که امروز باید در حضور وزراء موضوع مذاکره نمایندگان بشود تا اینکه تبادل امکار بشود و وائماً بنما دادن اموال دولت وجلو گیری از بعضی پیش آمدهای نا گوار و این ابتلا آنی که وارد شده است از هر طرف که لااقل بدانیم که خودمان منفعنت باشیم این مطالب را و دیگران هم بدانند که يك مردمانی را که منتخب کرده اند برای يك مطالبی است که آنها در فکر آن مطالب اساسی یعنی آن دردهائی که بر این ملت مظلوم فلت رده وارد است و در صدد علاج هستند و اگر ببینیم در صدد علاج هستند بگوئیم این تبادل کمکم است اگر نکوئیم چطور نکوئیم دستمان بعلاج نمی رسد بگذاریم که جزء دستور مجلسمان همین مطالبی باشد (ه نکمکو میکنم خودمان هم قطع بکنیم که ما بکلی از آن مطالبی نه اساس آسایش عمومی است عقب افتاده ایم و هیچ در مقام این سیستم که ببینیم چرا اموال دولتی بیجا میرود و يك قناری برای این بنما گریه که میشود بطور تبادل افکار کمکم و مفاد کرده کنیم که ندر کره خاطر يك کابینه محترم دولت که برای این منتخب شده اند که تصفی بکنند ادارات را از کسانی که اسباب جلو گیری از بکار افتادن چرخ های دولتی است باشد -

وزیر ریاست و تلگراف - فرمایشات آقای حاج آقا خیلی مهم است ولی شرفیابی بهیئت وزراء برای این نبوده است بلکه اولاً برای مسئله استقراض بوده است که آقای وزیر مالیه برض خواهند رسانید تا برای تقاضای همین کمیسیون است که عرض شد که يك کمیسیون ۱۵ نفری باید تشکیل شود برای امر مهمی و بعد که در آن کمیسیون که شورش است البته برض آقایان هم میرسد -

رئیس - در باب این کمیسیون (۱۵) نفری که تقاضا کرده اند اینها را با اظهار شد که کمیسیون خارجی هم جزء میباشد بهتر این است که يك کمیسیون ۹ نفری تقاضا کنند پس حالا اول يك کمیسیون ۹ نفری انتخاب میشود از مجلس نایبیکه بعد از آن داخل آن مطالب شوند -

رئیس - ملاحظه فرمائید آقایانی که شواالاتی دارند از وزراء فرمائید و با ایشان اطلاع داده می شود شواالاتی که شده است و اطلاع داده ایم باید حاضر شوند و جواب بگویند و اما برای مذاکره بطور مطلق بنده نمی دانم که بطور مطلق صحیح است که با وزراء صحبت شود یا خیر -

حاج آقا - آن مطالبی که ما تقاضا کرده ایم از آقایان وزراء از آنجمله در آن کابینه سابق که يك انتظامی در باب بودجه داده ولی آن ده نفری که پیشنهاد کردند بجهت بعضی مذاکرات با آقایان وزراء عرضشان استیضاح نبود و سؤال هم نبود و آن مطلب نوشته شده بود در آن پیشنهاد که خدمت آقای رئیس است و آن اهم مطالب است که خیلی از این مطالبی که جزء دستور مجلس نوشته میشود مهمتر است و او این مطالبی است که امروز باید در حضور وزراء موضوع مذاکره نمایندگان بشود تا اینکه تبادل امکار بشود و وائماً بنما دادن اموال دولت وجلو گیری از بعضی پیش آمدهای نا گوار و این ابتلا آنی که وارد شده است از هر طرف که لااقل بدانیم که خودمان منفعنت باشیم این مطالب را و دیگران هم بدانند که يك مردمانی را که منتخب کرده اند برای يك مطالبی است که آنها در فکر آن مطالب اساسی یعنی آن دردهائی که بر این ملت مظلوم فلت رده وارد است و در صدد علاج هستند و اگر ببینیم در صدد علاج هستند بگوئیم این تبادل کمکم است اگر نکوئیم چطور نکوئیم دستمان بعلاج نمی رسد بگذاریم که جزء دستور مجلسمان همین مطالبی باشد (ه نکمکو میکنم خودمان هم قطع بکنیم که ما بکلی از آن مطالبی نه اساس آسایش عمومی است عقب افتاده ایم و هیچ در مقام این سیستم که ببینیم چرا اموال دولتی بیجا میرود و يك قناری برای این بنما گریه که میشود بطور تبادل افکار کمکم و مفاد کرده کنیم که ندر کره خاطر يك کابینه محترم دولت که برای این منتخب شده اند که تصفی بکنند ادارات را از کسانی که اسباب جلو گیری از بکار افتادن چرخ های دولتی است باشد -

وزیر مالیه - عرض می شود که این بودجه که از بابان سه ایست قبل در دست است و تا چند روز دیگر بمجلس خواهد آمد آن عدد آخیش را حالا عرض می کنم - جمع این بودجه تقریباً (۲۴) کروڑ خواهد بود و جمع خرجش (۲۶) کروڑ است یعنی دو کروڑ کسر دارد ولی معلومی که از برای عایدات جدید از مجلس گذشته است آن معلوما بطور خوبی کفایت می کند که این محل خالی را پر بکند چه آن قوانینی که گذشته است برای امک و چه آنهایی که در دست است و چه آنهایی که نازده مطالب شوند -

ارباب کیخسرو - هاقبت معلوم نشد که وزراء کمیسیون برای چه چیز تقاضا کرده اند که و کلاه بدانند چه جور اشخاص برای چه کار باید معین شود و برای چه کار میخواهند -

رئیس - اگر بوزرا جمال هم معین بکنند که برای چیست شاید ممکن باشد بهتر است -

وزیر ریاست - خوب است رجوع فرمائید بقانون اساسی ولی نظرم نیست که کجاست که حق میدهد بوزراء که يك کمیونی تقاضا کنند و مجلس انتخاب کند و در آن کمیسیون مذاکراتی که کردند اگر صلاح دانستند بعد از مذاکره بمجلس بیاورند و اگر خواستند اجرا کنند حتماً باید بپایند بمجلس و اگر خواستند مسکوت عنه بگذارند هیچ بمجلس هم نیاورند و آنگاه هم که اظهار شد صلاح است که از کمیسیون خارج باشد و از قبیل همین اشخاص انتصاب نمایند -

رئیس - در اینکه وزراء حق دارند کمیونی تقاضا کنند حرفی نیست ولی و کلاه خواستند قبل بدانند که چه قسم اعضای برای کمیسیون لازم است بهرحال حالا کمیسیون ۹ نفری انتخاب میکنیم -

معزز الملک - اطلاعاً عرض می کنم که کمیسیون خارجهش نفر نیست و پنجاه نفر است -

رئیس - پس يك کمیسیون ده نفری انتخاب می کنیم که اعضای کمیسیون خارجه هم که پنج نفر هستند با آنها ملحق شوند -

پیشنهاد حاجی عبدالملك - بنده پیشنهاد میکنم که کمیونی که آقایان وزراء خواسته اند همان کمیسیون پروگرام باشد -

رئیس - آقای حاجی عبدالملك پیشنهاد کردند که کمیونی که آقایان وزراء خواسته اند همان کمیسیون پروگرام باشد و این بنده به استهلاک آن فرض سابق است قبول فرمائید وزراء گفتند خیر -

رئیس - پس اساسی ده نفر نوشته شود غیر از اعضای کمیسیون خارجه -

ادوات رای توزیع واخذ رای شده آقای حاجی میرزا رضاخان آقایان حاجی مصدق الملک - آقا عبدالعزیز بروجرودی و دکتر علی خان را برای استخراج آراء فقره معین وعده اوراق را ۹۰ اعلام نموده

رئیس - استخراج این اوراق را در خارج خواهند کرد -

وزیر مالیه - عرض می شود که این بودجه که از بابان سه ایست قبل در دست است و تا چند روز دیگر بمجلس خواهد آمد آن عدد آخیش را حالا عرض می کنم - جمع این بودجه تقریباً (۲۴) کروڑ خواهد بود و جمع خرجش (۲۶) کروڑ است یعنی دو کروڑ کسر دارد ولی معلومی که از برای عایدات جدید از مجلس گذشته است آن معلوما بطور خوبی کفایت می کند که این محل خالی را پر بکند چه آن قوانینی که گذشته است برای امک و چه آنهایی که در دست است و چه آنهایی که نازده

خواهند کرد - (خواستند بخوانند اظهار شد که اولاً مجلس باید این فرض را تصویب کند آنوقت این قرارداد قرائت شود)

حاج شیخعلی - بنده تصدیق دارم بر اینکه ایران بجهت ترقی خودش پول خیلی لازم دارد و از خودش همجو استمدادی ندارد لابد باید از خارج قرض کند اما نه این مقدار پنج کروڑ رده کروڑ

بلکه بیش از اینها لازم دارد و این پیشنهاد را که وزیر مالییه بایش روزی در خصوص این فرض کرده اند فرمودند که مازاد این در مذاکره شده ایم بنده عقیده ام اینست که مطابق قانون اساسی اول باید بمجلس اظهار بکنند اگر مجلس اساساً آن فرض را تصویب کرد آنوقت داخل مذاکره شوند علاوه بر این چند چیز بجهت بنده که یکی از نمایندگان هستم لازم است که منتهماً بدانم تا اینکه آنوقت به بینم که این فرض لازم است یا خیر در دوره تقنینیه قبل جمع و خرج مملکت مساوی شد بلکه مطابق آن روزنامه جاتی که خواندیم يك مقداری هم اضافه داشتیم بعضی عایدات هم در این دوره اضافه شده است که اگر درست اداره شود عقیده من اینست که پنج شش کور شود و بدبختانه فریب سیزده ماه است که دارالشورای ملی افتتاح شده است و هنوز هیچک از نمایندگان نمی دانند که جمع و خرج مملکت از چه قرار است و همیشه از اطراف ما می نویسند و مطالبه میکنند که دولت مشروطه یعنی ملت اراموزارت ادارت خودش اطلاع داشته باشد در سابق از طرف کابینه سابق مذاکره از استقراض شد از اطراف ملت تلگرافات کرد که ما با استقراض خارجی تن نمی دهیم و خودمان حاضریم بعد نیدانیم چه شد که بتیوق افتاد و اقدام در این باب نشده که بیختمن ملت خودشان حاضر هستند بجهت فرض دن باخیر خیلی نمجب کردم از این که وزیر مالییه فرمودند فرض جاری بدلیل شد بقرض ثابت برای این اکثر چه این فرض از فرازی که فرمودند يك فرض جدیدی نیست ولی صریح قانون اساسی این است که قبلاً باید بمجلس بداند یکی از چیزهایی که بنده لازم است بدانم دانستن جمع و خرج است که به بینم آیا ما این فرض را لازم داریم یا نه و آنوقت مجریه خارج را جز بجزه بدانیم آنچه که ملت را واداشت که در صد مصلبه حقوق خود بر آمدند همان فرض دولت استبدادی بود که يك وقتی ملت نکند کرد دید که ۶۰ - ۷۰ کور دولت مقروض است و این فرض بر ذمه ملت خواهد بود و بهیچ وجه آسایشی برای این مملکت نشد و چون در سابق يك ترتیب صحیح نبوده است از این حیث بنده نمیتوانم مطمئن بشوم که این پول به مصرف صحیحی خواهد رسید جز اینکه مجریه معین او را جز بجزه بفهمیم بعد از اینکه فهمیم و دانستیم که لازم است رای خواهد داد و تا این سه چهار فقره را که عرض کردم بنده ندانم نمیتوانم تصدیق این استقراض را بنمایم تا اینکه وزیر مالییه موافقاً پیشنهاد بکنند.

حاج آقا

کمان میبکنم که این وجهی را که پیشنهاد کرده اند تماماً مجلی نداشته باشد در اینکه در این خصوص مذاکره کنم بواسطه اینکه يك پیشنهادی کرده وزیر مالییه که باید آن صورتها بطوریکه گفته شد طبع و توزیع شود تا اینکه آقایان و کلا فکر و ملاحظاتی خودشان را در آن بکنند و يك روزی در آن خصوص مذاکره شود ولی امر از چیزیکه لازم است خودشان هم در ضمن اشاره بان فرمودند همان محل خرجش است که بطور صحیح معلوم شود والا دیگر هیچ گفتگویی قبلاً لازم ندارد

مؤتمن الملک

نمیخواهم اظهاری بکنم متعاقباً از آنای وزیر مالییه میخواهم خواهش بنمایم که محل استقراض را جزء بجزه بنویسند که ما بدانیم این وجه را که میخواهند استقراض نمایند برای چه خواهد بود بجهت اینکه بیست و هشت سال قبل دولت محتاج با استقراض شد و شش سال قبل هم محتاج بقرض شد ولی حالا شش سال است که این مملکت توانسته است خود داری نماید و قرض نکند و اغلب ماها حالا ملتفت شده ایم که مملکت امروز يك وجهی لازم دارد برای يك امر خیلی مهمی و باین ترتیب گمان میکنم که نشود که در يك جلسه پیشنهاد و توقع باشند که در ظرف دو یا سه روز مجلس در آن رای بدهد این اکثرانی را که بانگ شاهنشاهی میخواهند به بنده گمان میکنم که محتاج بطبع و توزیع باشد بلکه عقیده بنده این است که آقای وزیر مالییه اول يك صورتیکه حادی محل مخارج این استقراض باشد بنویسند و بمجلس بر سر مستند که هر قدر لازم باشد مدار آن ملاحظاتی خودمان را بنمایم و از حلاله هم عرض میکنم که بنده در سهم خود هر قدر میتوانم اشکال تراشی و سختگیری خواهم کرد و اگر آقای وزیر مالییه بر خیزند بفرمایند این چه اشکالی است که بکنید بنده متقاعد نخواهم شد و عقیده ام این است که در يك همچو موقعی ما هر قدر بتوانیم دقت خودمان را بیاوریم بکنیم و الا اگر همیشه بنویسند که ما این وجه را میخواهیم برای امنیت این مملکت یا برای آردیاد امنیت این مملکت بنده میکنم که قانع نخواهم بود و اگر بخواهند که بنویسند که این وجه را برای آوردن مستخدمین زائد از امری میخواهیم بنده باز قانع نخواهم شد باید در صورت خیلی مفصلی نوشته شود که این وجهی که گرفته میشود تمامش اسمال خرج میشود یا اینکه بمیان برای سال آینده و بعد از آنکه این مطلب معین شد باید ما بدانیم که این وجه بدست کی خرج خواهد شد و آن جنبه که دایر خواهد شد بجهت امنیت مملکت بترتیب قدیم خواهد بود یا بترتیب جدید کلیه مقصود بنده این است که تمام این جزئیات را ما باید بدانیم تا اینکه بدانیم در چه رای می دهیم که بعد اسباب پشتیبانی نشود بعد از آنی که آن صورت نوشته شد و طبع و توزیع شد و ما ملاحظاتی خودمان را در آن کردیم و بر ما مدلل و معلوم شد که يك وجهی لازم است آنوقت اجازه می دهیم به آقای وزیر مالییه که يك وجهی را استقراض نماید و بعد از آنکه اجازه داده شد آنوقت میتوانند آن اکثرانی را که با بانگ شاهنشاهی میخوانند ببنده پیشنهاد میکنند و ما هم ملاحظاتی خودمان را در آن می کنیم اگر مضرع شد که تصویب می شود و الا رد خواهد شد باین ترتیب اگر اقدام شد خیلی اسباب امیدواری برای آنجا خواهد بود والا با این طرز بنظر بنده صحیح نیست.

وزیر مالییه

عرض میشود که بنده گمان نمی کنم هیئت دولت پیشنهاد کرده باشند که مجلس شورای ملی يك استقراضی را بدون هیچ مقدمه در ظرف دو ساعت فوراً رای بدهد باین که يك وجهی

را تصویب کنند که استقراض شود برای يك مصارف موهوم بلا تقیید بنده خودم در يك جلسه خصوصی عرض کردم که باید تمام آن دقت هائی که ممکنست هم در خود این استقراض و هم در درجه و مصادف شود معلوم است تمام این مسائل را که آقای مؤتمن الملک گفتند صحیح است و باید با کمال دقت داخل جزئیات این مطلب شد ولی بنده اینجامی توانم فقط عرض کنم که آن صورت جزئی را که ایشان میخوانند شاید نادینار آخر نتوانند امروز صورت بدهند بجهت اینکه این پول مثلا اسمال تمامش لازم نیست و باید تدریجاً تا سه سال دیگر خرج شود پس يك بر آوردی می توانیم از مصارف این کار بکنیم و این بر آورد هم ممکن است در یکی از کمیسیونهای مجلس شود که بیختمن این مصارف لازم است یا لازم نیست بعد از آنکه دفتهای خودشان را کردند و معلوم شد لازمست تصویب کنند که این استقراض بشود.

حاجی شیخ اسدالله

بر خلاف تمام این مذاکراتی است که می شود که باید استقراض کرد عرض می کنم بنده باین ترتیبی که دارم ابداً صلاح نمی دانم در استقراض چه از داخله و چه از خارجه و خیلی تشکر می کنم از وزیر مالییه که آن بودجه تقییدی که طبع و توزیع شد ۱۷ یا ۱۸ کور کسر داشتیم فعلاً آن کسر را در کور کسر کردیم که این را هم نمی توانم یاد بکنم که تمامش صرف است بجهت اینکه هر چه ما بشویم تمامش صرف است و نمیدانم حق بقیه محتاج بیول میبیم یا نیستیم و اینکه آقای وزیر مالییه فرمودند که دو کور کسر داریم بنده عرض میکنم چرا باید کسر داشته باشیم چه شده است کدام مخارج فوق العاده برای این مملکت پیدا شده است فقط در يك موقع يك مخارج فوق العاده برای مملکت پیدا شد آنهم آنقدر بعنوان اعانه گرفته که کفایت آنرا کرد بعد از آنی که ما بودجه مملکت خودمان را بدست آوردیم و میزان دخل و خرج مملکتمان را بدست آوردیم و میزان دخل و خرج مملکتمان را سنجیدیم نباید کسر داشته باشیم حالا بفرض آمد کسری پیدا کرد باید بدانیم پولی را که استقراض میکنیم برای چه مصرفی میخواهیم متصدی و متصرف آن کیست و بتصرف کی خواهد رفت و تقیید آنجا را دانستیم و به جزئیات آن اطلاع پیدا کردیم آنوقت میتوانیم در این خصوص داخل مذاکره شده رای بدهیم والا نمی توانیم.

مستشار الدوله

بنده کاملاً موافقت دارم با آقای مؤتمن الملک و بجزه زیادی نمیخواهم عرض کنم ولی آقای وزیر مالییه بعضی مذاکرات فرمودند که بعدها داخل مذاکرات میشویم بنده قانع نمیشوم و لازم میدانم عرض کنم که علاوه بر فرمایش آقای مؤتمن الملک که فرمودند کلیه برای استقراض دو چیز لازم است اول لزوم ثانیاً شرایط آن بدبختانه در مملکت مایک چیز ناشی هست که اهمیت آن خیلی زیادتر است و آن تقیید و نظارت در مخارج است در لزوم پول صرفی نیست همه ما میدانیم که مملکت محتاج به پول است در پروگرام وزرا هم این مسئله

هست و مجلس شورای ملی هم تا اندازه ای آنرا تصویب کرده است و میدانیم که این پول را برای این میخواهند که نظم و امنیت مملکت را استحکام و استقراری بدهند ولی این جمله استقرار و استحکام امنیت کلی است و باید دید که دولت به چه وسیله میخواهد آنرا استحکام کند و ققدر پول لازم دارد از برای این مصارف چنانچه آقای مؤتمن الملک هم فرمودند و اگر استاده مجلس شورای ملی این را نداند نمیتواند اجازه يك هم چه استقراض را بدهد بعد از آنکه این مطلب معلوم شد بمجلس پیشنهاد شد و تصویب گردید رجوع میشود بوزارت مالییه چنانچه عرض کردم بدبختانه تقیید در مملکت ما خیلی اهمیت دارد و بعد از آنکه در جزء اول وثائی معلوم شد از جزء ثالث که صرف این وجه به مصرف خودش بشود دولت چه وسیله ای را اتخاذ خواهد کرد که مجلس شورای ملی مطمئن باشد که این پول به مصرف خودش برسد

**وزیر پست** - این مسئله اساسی را که آقای مستشار الدوله فرمودند دولت هم تصدیق نمیکند ابدالا در لزوم این استقراض که چنانچه خودشان فرمودند این را گمان نمیکنم کسی رد کند و البته بعد از آنکه دقت و رسیدگی کردند تصویب خواهند کرد يك مسئله هم مسئله شرایط است آقای وزیر مالییه اینجا کاملاً شرح ندادند و شرایط آنرا فرمودند گویا برای جلسه دیگر گذاشتند شرایط این استقراض بمقتضای دولت خیلی خوب است بطوریکه تصور میکنند بهتر از این نمیشود و بنظر نمایندگان خواهد رسید و تصدیق خواهند کرد که کمتر استقراضی بغوی این شرایط ممکن است امروز واقع شود اما مسئله تقیید این مسئله را هم گمان میکنم که هیئت دولت از این غفلت نکرده است و بشارت بهیچم که اهمیت آنرا بیشتر از آن دو مسئله میدانند و از روز اول که مذاکره استقراض شد گفتند که استقراض بی [کنترل] نمیشود اگر تقیید و نظارت نباشد نخواهیم تصویب کرد وسیله ای که برای کنترل بنظر دولت رسیده است این است که عجلتاً اشخاصی را معین کرده اند که يك قسمت بزرك آنها اروپائی هستند از اشخاصیکه در ادارات بوده اند يك قسمت هم از ایرانیها هستند بصورت درامر مالییه هستند و دعوت کرده که بهنشینند و يك پروگرامی از برای این تقیید و کنترل تعیین کنند حالا در این هیئت ممکن است که رای بدهند که يك چند نفری معین شوند از برای اینکه به بینند این پول به مصارف صحیحه میرسد یا خیر یعنی اگر این پول حواله شده است از برای سر بازار ماس آنوقت واصلی تهیه کنند که بدست همان سر بازار برسد و همچنین سایر مخارجی که میشود دقت کامل بشود که به مصرف صحیح برسد امروز مقصود از عنوان وزیر مالییه در مجلس این بود که خاطر آقایان نمایندگان را با بهایت این مسئله معطوف و متذکر نمایند که اگر تصویب لزوم پول را میکنند برود شرایط این استقراض تمام جزئیات را چه بان را مشروحاً بنویسند و بمجلس بیاورند.

**حاج امام جمعه** - عرض دو قسم است يك قسم آن این است که آنرا بگیرند و بمصارف صحیحه

برسانند چنانکه سایرین این کار را میکنند و این فرض نیست بلکه تجارت است اما بدبختانه این در ایران مجری نخواهد شد چهار سال قبل اذ این در مجلس شورای ملی سابق یکی از وزراء آمد و گفت که اگر امشب دولت قرض نکند همراه اولنک خواهد شد و می بینیم که چهار سال است از آن روز گذشته است و همراه دولت لنگ نمانده است و عرض می کنم که شاکاری بکنید که خرج را بهیچیکه که قدر و چطور مخارج میشود بنده باینکه خیلی در این مجلس کم حرف میزنم عرض می کنم که هر کس این استقراض را تصویب میکند با خون این ملت شریک است هیچ مالاً نمی توانیم تصویب بکنیم که مثل زمان مظفرالدین شاه استقراض بکنیم میفرمایند کنترل خواهیم گذاشت بنده عرض میکنم ابداً این کار نخواهد شد در مجلس سابق بنده بودم و اکثر از آقایان بودند که سیصد هزار تومان نه کیسه قاچاق را را دقتیم آوردیم يك قدری هم از مردم باسم اهانه جمع کردیم و آنوقت مجلس کمال جدرا داشت ناصر الملک هم آنوقت وزیر مالییه بود ناصر الملک هم خیلی آدم صحیح و درستق است برای اینکه وقتی که با ذربایجان فسون میفرستادند ده هزار تومان لازم بود آمد از مجلس اجازه خواست مجلس هم اجازه داد و لکن همان ده هزار تومان بود که ما فهمیدیم که بچه مصرفی رسید و چه شد امسال يك وقتی وزیر امور خارجه آمد در منزل ما و يك روزنامه روسی آورده بود که نوشته شده بود شما خیال میکنید اینها وکلای ملت بوده اند ابداً نبوده اند اینها سیصد هزار تومان را از خزینه در آورده و همه را خوردند حالا هم یقیناً با حالت حالیه ایران کنترل نخواهد شد ولی بمقتضای حال حالیه مملکت یقین دارم که بقدر صد هزار تومان دولت امروز مخارج فوری لازم دارد بنده امتیازم این است که اگر از خزانه جواهر کرد بگذارند و پول بگیرند این بهتر از این است که پنج یا هفت یا هشت کور استقراض بکنیم و دوباره مملکت را دچار معظورات و این فقرات بکنیم و بنده شاید در عرض خودم شریک و موافق ندانم با هم ولی تکلیفم این بود که بنویسم.

**رئیس** - در هر صورت مقصود از این اظهار این نبود که مجلس این قرض را اساساً تصویب می کند و آقای وزیر پست اظهار کردند که شرایط و جزئیات آن را پیشنهاد خواهند کرد پس گمان میکنم دیگر حالا مذاکرات زیاد در این خصوص لازم نباشد و مذاکرات کافی است عجلتاً مذاکرات را ختم میکنیم تا وقتیکه آقای وزیر مالییه و هیئت وزراء بروند و شرایط و مصارف آن را پیشنهاد کنند.

**فهم الملک** - فرمودند هیئت وزراء لایحه ای در ترتیب استقراض و مصارف آن که پیشنهاد خواهند کرد صحیح است باید هم بمشروط بشود اما از طرف دیگر در پروگرام آقای رئیس الوزرا حاضر که پیشنهاد شد یکی دوسه ماده اش آمد بمجلس و تصویب شد ولی دنباله پیدا نکرد میخواستم به بنده اینهم مثل آنها است که بعد از مقداری مذاکره

و اتلاف وقت مسکوت عنه خواهد ماند یا خیر و عقیده بنده این است که ممکن است شکل دیگر بکشند بنده تصور میکنم که آن مقدمه بسیار صحیحی که از برای استقراض امنیت لازم است و از مصارف این استقراض خواهد بود همان آمدن مستخدمین خارجه است حالا از يك مملکتی از مملکت دیگر منحصر نیست که تمام مسکوت عنه بماند و در صورتی که موقوف به پیشنهاد وزرا است که شرایط و ترتیب این استقراض را پیشنهاد کنند بنده باز عرض می کنم که این هم لزوم پهلوی لایحه مستخدمین و استاده میکنم اگر اقدامی فرموده اند دنباله آن را بگیرند و لزوم شرایط و ترتیب این استقراض را پیشنهاد کنند که مجلس هم ملاحظاتی خود را بکنند و رای بدهد هیئت وزراء باید امروز با مجلس همراه باشند و با وزارت مالییه كك کنند که زودتر بلکه امورات این مملکت اصلاح شود باین جهت عرض می کنم که تشریف میبرند ممکن است بعد از دو روز دیگر در ظرف این هفته این لایحه را پیشنهاد کنند که با هم ترتیب آنرا بدهیم و این مسئله مسکوت عنه نماند ( در این موقع جمعی اجازه منطلق خواستند)

**رئیس** - بنظر بنده مذاکره دیگر لازم نیست برای اینکه رای که نمیخواهند بگیرند نباشد هیئت وزراء بروند و مقدمات این کار را پیشنهاد کنند و اگر دلایل آنها طوری شد که مجلس شورای ملی را متقاعد کرد که رای میدهد و تصویب میکند والا رد میشود عجلتاً چون در این خصوص نمی خواهم رای بگیریم مذاکره این مطلب را ختم می کنیم.

آقای شیبانی شوالی داشتید از وزارت داخله بفرمایند.

**شیبانی** - بررروز اینجا این که راه شورای ملی عرض کردم که من باب اتهام حجت عرض میکنم و با حضور هیئت وزراء باید عرض کنم اگر چه این لفظ بدبختانه را ما در همه جا استعمال میکنیم که بدبختانه هر چه پیش بینی کردیم در مسئله کاشان هیچ فایده نه بخشید هر وقت آمدیم بهیئت وزرای سابق با هر يك از اولیای امور با یا پارلمان عرض کردیم که اندامی در این خصوص بکشند نشد تا آنچه وارد شد که متجاوز از يك کور کور و یازده کور بنده درست نمیدانم بیش از اینها هم میگویند اعمال ملت و شاید ۲۰۰۰۰۰ تومان مال دولت از بین رفت و تقریباً کبیری هم نفوس کشته شد حالا باز گفته است بترتیب اولیه یعنی اشرار باز تداوم می دارند که بریزند بشهر کاشان و اهالی شهر هم می توانم عرض کنم که دوسه دست شده اند بکشته است از باب بی غیرتی که با اصطلاح خودشان دارند دست زدن و بیجه خودشان را گرفته فراری خواهند شد و دست دیگر هم ببقاییکه نمیخواهم اسم ببرم پشاندند خواهند شد باین جهت با کمال عجز بهیئت وزراء عرض می کنم که نظر با امتدایکه ایشان داریم اینده هم مثل دفعه سابق نشود که به آقای فرمان فرما که در آن زمان وزیر داخله بودند مقصوداً عرض کردم و دوسه مرتبه هم تکرار شد و جواب دادند که اقدامات مجدانه میشود و اگر چنانچه در آنوقت يك استمدادی به کاشان فرستاده بودند این

اتفاقات نمی افتاد این بود که اقدامی نکرده و شد آنچه که شده حالا هم عرض میکنم که اگر استعدادی فرستاده نشود و سواری دنبال اشراف نفرستند موجب هزار جور نقرین و لعنت خواهد بود بجهت اینکه تلگراف مفصلی بامضای (۱۵۰) نفر از اهالی کاشان از علماء و تجار و تمام طبقات آمده است و یک نوهی تظلم کرده اند که شهید الله خواندن آن انسان را مجزون میکند و نمیدانم چه شکلی باید اقدام نمایند که قلع ماده شود پارسال نظرم هست همین اوقات فرار شد ده نفر سواری فرستند و آنجا را تا مین نمایند و اینهم گفته شد که یک مواجبی هم بنایب حین بدهند که سرخدمت دولت باشد نه آن ده نفر سواری فرستادند و نه تا مین بنایب حسین دادند حالا سؤال می کنم از آقایان وزراء مخصوصاً حضرت والا وزیر داخله در این خصوص چه اقدامی کرده اند که اسباب اطمینان خاطر باشد.

**رئیس الوزرا** - از برای کاشان يك استعدادی عبارت از صد نفر سرباز و چهل نفر سوار همین دوسه روزه میرود و چهل نفر هم از سوارهای خانقاری و دوستی نفر از بختیاری در تهبه هستم که فرستم بتمام بنایب حسین و اقدامی که شده است امید است نتیجه صحیحی بپوشد.

**رئیس الوزرا** - آقای ارباب کیخسرو سئوالی داشتید از آقای رئیس الوزرا بفرمائید.

**ارباب کیخسرو** - اگر چه بدبختانه با اینکه گرفتاری مملکت زیاد است کمتر بهلاج آنها می پردازم یکی از چیزهایی که ما خیلی بآن احتیاج داریم معارف است و دو کابینه تشکیل شده است که هیچ وزیر معارفی در اینجا معرفی نشده است و مخصوصاً در وقتیکه کابینه اخیر بمجلس معرفی میشد آقای رئیس الوزرا وعده صریح دادند که تا روز پنجشنبه همان هفته که تقریباً چهار روز بعد از آن بود وزیر معارف را بمجلس معرفی خواهند کرد تا اکنون مدتی است می گذرد و اکنون که مدتی است می گذرد هیچ وزیر معارفی را به مجلس معرفی نکرده اند در این صورت سؤال می کنم از آقای رئیس الوزرا که در باب وزیر معارف آیا فکری کرده اند و کسی را معین کردند اند یا خیر و اگر معین کرده اند از کی بمجلس معرفی خواهند کرده

**رئیس الوزرا** - در باب وزیر معارف حق دارند آقای ارباب کیخسرو که تاخیر او را به بنده اعتراض می فرمایند ولی شاید يك جهانى داشته است که نمی خواهم عرض کنم تا روز شنبه میناً وزیر معارف معرفی خواهد شد.

**وزیر عالیله** - اگر چه مسئله کاشان و وزیر معارف در این بین تداخل کرد ولی بنده باز برمی گردم بهمان مسئله اولی همینقدر عرض می کنم که مسئولیت نگاهداری مملکت فقط به عهده بیست دولت نیست بجهت اینکه وقتی که اسباب کار مهیا باشد آنها هم عاجز خواهند ماند و از اقداماتی که باید بکنند و گمان می کنم که مسئولیت بر عهده نمایندگان مملکت وارد خواهد بود بجهت این که وقتی

بنا بشود که آنها تمام افعال واحوال هیئت دولت را بطور مساعدت استقبال نکنند و بسوه ظن استعمال کنند و می آنرا عطف بکنند بیک ترتیب دیگری هیئت دولت ابدان نمیتواند کار بکنند و از آن گذشته مثلا نمایندگان میگویند چون فلان در فلان وقت فلان طور شده است ما اسباب تمام کارهای دیگر را هم میگذاریم و این همین طور رفته رفته مثل رنجبر تسلسل پیدا می کند بنده عرض می کنم اینهمه شکایاتی که در این مجلس میشود و اینهمه ایراداتی که میکنند تمام بواسطه نفس اسباب است و باینکه روزی داخل شد در این کابینه اسباب را بهر شکلی که مقتضی است تکمیل کرد بنده عرض نمیکنم این را بدست یک اشخاصی که طرف اطمینان نیستند و اگر کار کبیدولی عرض می کنم که بهر طوری که میدانید امروزه لازم است این نواقص تکمیل شود و الا بمجرّد اینکه اطمینان نداریم و چون يك کس بر پروژو صحنه چین خورده است مانع خواهیم این کار بشود این يك مسئله حتمی است و باین شکل کار مملکت ابدأ اداره نخواهد شد و این معین است که اشخاصی که فعلاً در سر کارند وقتی که بنده آمدند و این ترتیب را دیدند میروند بی کارشان و اگر کار میکنند باشخاص دیگر ولی باین شکل کار مملکت ابدأ اصلاح نخواهد شد بلکه روز بروز بدتر میشود ولی بنده عرض می کنم قبل از آنکه یک رشته بکلی اذ دست برود باید درصددیک اصلاحی برآمد که کار بآن درجه آخری نرسد.

**رئیس الوزرا** - آقای آقا سید حسین گزازی - اداره نظمی که مانده اند مدتی است بنای تدبیرات را گذاشته است و تدبیرات بغیر حق می کنند منجمه از هر روزواری نفری دو نفران پول میگیرند خواستم از حضرت والا وزیر داخله سؤال کنم که مصرف این پول چه چیز است و با اجازه ایشان است یا خیر.

**وزیر داخله** - از سابق این عمل که اطلاع نداشتم ولی بعد از آنکه بمجلس شورای ملی اطلاع دادند تحقیقاتی کردم معلوم شد همینطور است و این پول را بگیرند این بود جوابی بمجلس مقدس عرض کردم و بعد هم تدبیر کردم که دیگر نگیرند و حالا نمی گیرند.

**آقا سید حسین گزازی** - بموجب شکایاتی که تازه رسیده است معلوم میشود همینطور مشغولند.

**وزیر داخله** - عرض کردم قدغن شده است و دیگر نمی گیرند تلگراف تشکر هم رسیده است و از این اقدام وزارت داخله تشکر میکنم.

**رئیس الوزرا** - آقای شیخ غلامحسین سئوالی داشتید از وزارت امور خارجه بفرمائید.

**آقا شیخ غلامحسین** - تقریباً دویست هزار نفر از اتباع ایران در عثمانی هستند و مدتی است که کار گذار در بغداد نیست بنده این مطلب را هم کتباً و هم شفهاً بمجلس وزارت امور خارجه اظهار نموده ام که اتباع ایران در عتبات عالیات درمناظره است آیا آقای وزیر امور خارجه در این خصوص اقدامی کرده اند یا خیر.

در بودجه موفقی تصویب شده است و از برای مخارج مسافرت این مأمور بخصوص عرض کردم که بنده بمسئولیت خودم خواهم داد و در این باب هم کافدی بمجلس مقدس شورای ملی نوشتم و یکی دو دنه هم اصرار و تاکید کردم که يك مبلغی بمجلس بنده بجهت مخارج مأمورینی که باید بروند در حق آنها لازم است از جمله آنها مأمورین عراق عرب است که قونسول بغداد باشند اما در خصوص اشکالات بودجه - اشکالات بودجه خیلی زیاد است و اینکه تا بحال تعویق افتاده است اگر چه حاضر شده است و امروز و فردا می رود بوزارت مالیه برای این است که این تکیدی که می کنند که از اجزاء و از بودجه بکاهند و از طرف دیگر جماعتی هستند که کاری ندارند و همه روزه بمجلس شورا و هیئت وزراء اظهار می کنند اسباب این میشود که وزارتخانهها در کار خود متعجب می شوند و از یک طرف هم وزارتخانه مصرف این خواهد بود که حقوق خیلی کم باشد این است که رویهم رفته این موانع علت تاخیر تقدیم بودجه شده است و با زهم تکرار می کنم که وزارت امور خارجه نه این است که بی بودجه بوده است بودجه وزارت امور خارجه تا بحال همان بودجه موفقی است که بمجلس تصویب کرده و تا بحال اذروی آن عمل شده است و بنده يك دینار تا بحال اضافه تصویب نکرده ام که خارج از بودجه موفقی باشد.

**متین السلطنه** - اینجا يك مطلبی را که اگر وزیر مالیه می گفتند بایستی رسماً تکذیب شود آن اینست که آقای وزیر امور خارجه فرمودند که مخارج مسافرت مأمورین يكبار داده نخواهد شد مگر اینکه از طرف مجلس تصویب شود از فرمایش ایشان هیچ مفهوم می شود که مخارج مسافرت و بین المللی است که تمبر خاک هر دولتی به عهده اولیاء آن دولت است و هیچ دولتی حق مداخله ندارد حالا از آقای وزیر امور خارجه سؤال می کنم که اولاً يك همچو مسئلهای حقیقت دارد یا خیر و اگر حقیقت دارد وزارت امور خارجه تا اکنون درین خصوص چه اقدامی کرده است.

**وزیر امور خارجه** - عجلاناً این سؤال را هم چه تصور میکنم که راجع است به اینکه تمبر دولت روس بین جلفا و تبریز استعمال می شود یا خیر این خبر چند روز قبل رسید و از مأمورین رسمی دولت در تبریز استفسار کردم جواب دادند که این مطلب ابدأ صحت ندارد.

**رئیس الوزرا** - آقای حاج عبدالملك سئوالی داشتید از وزارت امور خارجه بفرمائید.

**حاج عبدالملك** - چون آقای وزیر امور خارجه فرمودند که حاضر هستند و اگر سئوالی هست بشود بنده چند وقت قبل از این يك سئوالی راجع بسیر کشتیهای کیهانی (لنج) در کارون علیاً کرده بودم و حالا هم از آقای وزیر امور خارجه سؤال میکنم که آیا این با اجازه دولت است و از طرف دولت ایران حقى بکیانی (لنج) داده شده است که کشتی او در کارون علیا سیر بکند یا اینکه بدون حق سیر میکند.

**وزیر امور خارجه** - مسائل راجع بامتیازات دولت کلیه راجع است بوزارت فوائد عامه و هیچ راجع بوزارت امور خارجه نیست ولیکن يك اجازه سابق از

محبوب شود ولی حالا چون بودجه نگذاشته است این بود که این قسم پیشهاد شده است.

**رئیس الوزرا** - بموجب نظامنامه داخلی افزوده شود که در بین سئوال يك نماینده نماینده دیگری اظهار نظامنامه ای بنماید آنوقت در بین اظهار اونك استیضاحی تولید شود مدتی وقت مجلس را اشغال نماید.

**آقا شیخ غلامحسین** - آقای وزیر امور خارجه بیان کردند که این مأمورینی که معین شده است آدم مجرب خیلی صحیح کافی است این مسلم است که همه وزارتخانهها باید مأموران مجرب و آزموده باشند ولی این مأمور بسیار خوب وقتی کار می کنند که در بشاد باشد و اگر ناسه روز دیگر این مأمور هر کت نکند بنده استیضاح خواهم کرد.

**رئیس الوزرا** - آقای فهیم الملك سئوالی داشتید از وزارت امور خارجه بفرمائید.

**فهیم الملك** - مدتی است که از آقای وزیر امور خارجه در خصوص اتومبیلهائی که در بین جلفا و تبریز حرکت میکنند سئوالی شد و بطوری که لازم بود جواب دادند ولی این روزها بطور دیگر شنیده میشود که راه انداختن اتومبوسها اسباب این شده است که گاریها دیگر کمتر کار بکنند حتی اینکه گارییست را هم از دست آنها گرفته اند علاوه بر این از فراری که شنیده می شود بین جلفا و تبریز تمبر روسی را استعمال میکنند و این نقطه مخالف اتحاد دوستی دولت روس با دولت ایران است بلکه مخالف قوانین بین المللی است که تمبر خاک هر دولتی به عهده اولیاء آن دولت است و هیچ دولتی حق مداخله ندارد حالا از آقای وزیر امور خارجه سؤال میکنم که اولاً يك همچو مسئلهای حقیقت دارد یا خیر و اگر حقیقت دارد وزارت امور خارجه تا اکنون درین خصوص چه اقدامی کرده است.

طرف وزارت امور خارجه داده شده است راجع بسیر يك کشتی در کارون علیا قریب نهم ماه میشود که قبل از زمان من بوده است و اینهم يك اشتباهی بود که از وزارت امور خارجه شده است و فقط این سؤال راجع اینکار سهواً با از روی بی ملاحظه گی از طرف وزارت امور خارجه شده است بنده همین قدر جواب میدهم که يك اجازه برای يكسال از وزارت امور خارجه بکمیانی لنج داده شده است که يك کشتی از او برای تجارت در کارون علیا سیر کند و هشت یانه ماه قبل از این اجازه داده شده است ولی بعد از گذشتن این مدت که بانی نفت هرطور مذاکراتی که در این قبیل چیزها دارد راجع بوزارت خارجه نیست و کمیانی طرف است ولی دولت و نماینده دولت در این قبیل امتیازات وزارت فوائد عامه است و باید با او مذاکره نماید.

**حاج عبدالملك** - در صورتی چون این اجازه بدون تصویب مجلس بوده است بنده تکذیب میکنم و استعدای می کنم که موقوف شود بیک قسم سئوال بنده هم راجع بتشکیل (کنسلی دتا) از آقای رئیس الوزرا سؤال میکنم که درباره تشکیل آن چه اقدامی کرده اند و کی تشکیل خواهد شد.

**رئیس الوزرا** - در خصوص (کنسلی دتا) این است که اقدامی نشده است اقداماتی که لازم است از طرف هیئت دولت است ولی بعضی نواقص دارد تا آن نواقص رفع نشود نمی توانیم لایحه آنرا تقدیم کنیم آن نواقص که رفع شد لایحه آن تقدیم میشود.

**رئیس الوزرا** - آقای ادیب التجار سئوالی داشتید از وزارت داخله بفرمائید.

**ادیب التجار** - چند روز است افواهی شنیده شده است که مفت هشت نفر سوء قصدی نسبت به بعضی از وزراء داشته اند و مشغول (بب) سازی و بعضی حرکات آنارشیستی بوده اند از حضرت والا آقای وزیر داخله سؤال میکنم این مطلب اصل داشته عده ای را که میگویند گرفته و گرفتار شده اند حقیقت دارد و چون سوء قصدی نسبت بوزراء داشته اند یا اینکه این شهرتها بی اصل است.

**وزیر داخله** - يك چند نفری مأخوذ شده اند و در نظریه تحت استنتاج هستند و تفصیل را درست حالا نمی توانم عرض کنم که آن استنتاج بکجا رسیده است امروز هم بوزیر عدلیه گفته شد دو نفر از وزارت عدلیه بفرستند بنظمی که بساحضور آرد و نفر نماینده استنتاج شود و بعد بهر کجا که منتهی شد بمعرض مجلس مقدس میرسانم.

**رئیس الوزرا** - آقای معاضد السلطنه سئوالی داشتید از وزارت امور خارجه بفرمائید.

**معاضد السلطنه** - تقریباً یکماه قبل از این سئوالی از وزارت امور خارجه کرده بودم در باب گامیش تبه و تا حالا ممکن نشده است که جواب بدهند حالا چون خودشان فرمودند که برای جواب حاضرند این است که عرض میکنم اطلاعات کاملی را که آقای آدینه محمدخان دارند این است که در چند سال قبل رئیس ما همگیرا را گرفتند و تقریباً ۲۸۰۰ تومان پول آن تور را از او گرفتند بعد تر از آنکه کابین پول را از اشخاصیکه مظنون هستند که این تور را در دیده اند بگیرند بر رئیس ما می گیرها رد بکنند بعد تقریباً در هفت یا هشت ماه قبل از این شروع میکنند ببطالبه این ۲۸۰۰ تومان

وکنفر فرات روسی بادی نقر دیگر که یکی (اگنت) بوده است میروند مطالبه میکنند از بعضی اشخاصیکه سوه ظن پانها داشته اند از این باب یک زندو خوردی میشود و آن فرات مجروح میشود و بعد آن شخصی که آن فرات را مجروح کرده است میروند بروسیه و در (چکش لو) آن شخص ضارب را می گیرند که آن آن در حین محاکمه روسی است برای همین مسئله دولت روس کشتی جنگی می آورد بگامیش تیه و شهر را (مبارده) میکنند یعنی شهر را بتوب می بندند و تقریباً ۶۰ یا ۷۰ خانه را خراب میکنند و چند نفری هم در آن شهر را احاطه میکنند و نگذارند هیچکس از شهر خارج شود و تقریباً هفتصد تومان در آن چند روز از اهل شهر سیورسات میگیرند و نگذارند کسی از شهر بیرون برود که بجای های لازم اطلاع بدهد و حالا تقریباً هشت هزار تومان خسارت مطالبه میکنند و هر خانه بازده تومان فراداده اند که از اهالی گامیش تیه مطالبه کنند اهالی گامیش تیه در این مدت مکرر بتوسط آقای آدینه محمد خان هر بیضه نوشته اند و چاره جویی کرده اند میخوام سؤال کنم کدو این باب از طرف وزارت امور خارجه چه اقدامی شده است و چه نتیجه ای حاصل کرده است که بعد از این همه خسارت مطالبه این هشت هزار تومان از آنها منقطع شود .

**وزیر امور خارجه** - بله این مسئله که در چندماه قبل واقع شده است خیلی اسباب تأسف است و بنده در این مدت که در وزارت خارجه بودم مشغول مذاکرات بودم ولی هنوز بجائی منتهی نشده است که نتیجه آن را بعرض مجلس شورای ملی برسانم .

**معاضد السلطنه** - چون قاتل در روسیه است و دیگر گمان اینست که چیزی بهمراه اهالی گامیش تیه وارد بیاید طوری نماینده که دیگر خسارتها بر آنها وارد نشود .

**رئیس** - آقای ابوالقاسم میرزا اسوالی داشتید از وزارت داخله بفرمائید .

**ابوالقاسم میرزا** - چندی است که قدری مال التجاره توپچی های کرمانشاه را لرستانها غارت کرده اند و بردانند به نهانند و برود میفرشند خواستم سؤال کنم که وزارت داخله در این باب چه اقدامی کرده است .

**وزیر داخله** - در این سرفتی که چندی قبل واقع شده و تجارت شکایت کردند و از مجلس رجوع شد وزارت داخله اقدام کرد و بنیابت آنجا که مشیر الممالک است تأکید شد که به بند این مال کیهاست و استرداد بکنند بعد از آنهم بامیر انجم حاکم بر و جرد که حالا در همدان است تنگنات شد او هم از آنجا اقداماتی برای استرداد این اموال نموده است ولی بمناسبت اینکه در و جرد حکومتی نیست انجام اینکار بتوقیر افتاده است و امروز هم مخصوصاً تلگرافی از امیر انجم رسیده بود که قدری از اموال را گرفته است تلگراف کردیم بصاحبش برساند بعد از رفتن امیر انجم اشخاصی که در این کار وسایل کارهایی که در آنجا تفوق افتاده است گرفته و مجازات خواهد شد .

**ابوالقاسم میرزا** - درخواست میکنم اقدامات صحیح در این باب بفرمائید که اسباب اطمینان بشود .

**وزیر داخله** - انشاء الله اقدامات خواهد شد .

**رئیس** - آقای معزز الملک سؤال داشتید از وزارت داخله بفرمائید .

**معزز الملک** - از تراقیکه می بینم وی شتویم اهالی طهران از عدم موقفیت بلده و عدم انجام وظایفی که بهمه بلده است شکایت دارند و بلکه در عوض حسن اداره ای که ممکن بوده از این اداره بروز بکنند بهتر شده است وامورات شهراز قبیل آبنان گوشت مغفل شده است و مالیی چه از حیث نوافل چه از سایر طرق میگیرند و معلوم نیست که این پول چه مصرفی میرسد در صورتیکه می بینم کوجه هایمان خراب است و نظیفی نشده است و مردم از این باب خیلی شکایت دارند البته آن شکایات بگوش هیئت وزراء و اولیای امور هم رسیده است میخوام سؤال کنم کدو باب اصلاح بلدی که اسباب شکایت مردم شده است ودر واقع هم بتوانم عرض کنم حق دارند که شکایت میکنند چه در نظر دارند و به چه طرفی خیال دارند این را اصلاح کنند .

**وزیر مالیه** - این شکایات از بلده به هیئت وزراء هم از هر طرف میرسد و بواسطه اینکه قانون بلده یک ماده ندارد که بتوان بموجب آن این انجمن را منفصل کرد این است که به همین حالت مانده است حالا یا اینکه مجلس اجازه بدهد که بلده را منفصل کنند تا بعد یک طوری یک اداره بلده بترقی تشکیل شود پس اینکه یک ماده از مجلس شورای ملی بکنند و اضافه شود بر آن قانون که به هیئت دولت نتواند در صورتیکه اداره بلده نتواند از بعد انجام وظایف خودش بر آید عذرش را بخواند حالا دیگر اختیار آن بامجلس شورای ملی است هر طوری تصویب میشود عمل خواهد شد .

**معزز الملک** - این نکته را که میفرمائید در قانون قید شده و اختیار اتصال بلده به وزارت داخله داده نشده است این را نمیتوان تصور کرد که آن مقنن مقصودش یک استقلال کاملی بوده است که به بلده داده باشد بلکه یقین است که سعی شده است و از قلم افتاده است بجهت اینکه این يك اداره نیست که مستقل باشد مثل دیوان محاسبات و غیره بلکه خود بلده باید مسئول وزیر داخله و در تحت نظارت وزارت داخله باشد . حالا اگر این مطلب از طرف مقنن آن زمان در این قانون قید نشده است ممکن است هیئت وزرای حالیه بکمانده پیشنهاد کنند برای اینکه یک اختیاری در این خصوص برای خود جلب کرده باشند و چون این مسئله فوریت دارد ممکن است تا وقتی که آن ماده از مجلس شورا بگذرد بماند از مقام مقنن اجازه بخواهند که بلده را منفصل نمایند تا اینکه فراری در امورات آن داده شود و در هر وقتی که این اجازه را بخواهند از هیئت مقنن از طرف عموم نمایندگان همراهی خواهند شد .

**وزیر مالیه** - در جلسه آتیه یک ماده در این خصوص پیشنهاد خواهد شد .

**لواء الدوله** - بنده، اولاً این ماده را از نظامنامه داخلی میخوانم و بعد عراض خود را اظهار میکنم ماده ۴۴ نظامنامه داخلی میگوید در تمام بلده از وزیر میخواهد استیضاحی نماید باید تقاضای خود را کتباً بر رئیس داده و موضوع استیضاح را در ضمن معین نماید رئیس آنرا در مجلس قرائت میکند و مجلس باید آن تقاضا را قبول نموده و پس از آنکه از اظهارات وزیر یا وزراء در باب تعیین روزی که استیضاح باید بعمل آید مستحضر شد بدون مباحثه در اصل موضوع قرار روز استیضاح را بدهد استیضاحاتی که در باب امور سیاسی داخلی ملک است نباید بیش از یکماه بماند .

**وزیر مالیه** - عرض میشود آنروز که این

بنده بنده تقریباً گویا پنجاه روز است این استیضاح را از وزارت خارجه و وزارت مالیه و وزارت عدلیه کرده ام و گمان این است که باباید این ماده را از نظامنامه داخلی خارج کرد .

**لواء الدوله** - بنده گویا از وزارت خانه استیضاح کرده ام نه از شخص باشخص طرف نیست .

**وزیر مالیه** - صحیح است ولی طرف استیضاح شخص واقع خواهد شد نه وزارتخانه .

**آقا میرزا مرتضی قلیخان** - این مسئله استیضاح را آقای لواء الدوله از سه وزارت خانه در کابینه سابق کرده بودند و در زمانیکه کابینه وزراء تغییر و کابینه حالیه تشکیل شد بنده مخصوصاً آقایان دیگر هم بودند ایشان را خواستم عرض کردم اگر صلاح بدانید این استیضاح خودتان را چون کابینه تغییر کرده است پس بگریید جواب دادند که باشد بعد اطلاع میدهم که این باشد یا فرستاده شود بعد دیگر اطلاعی ندادند و این هم بطور در هیئت رئیسه مانده است .

**لواء الدوله** - چون این مسئله به بنده قدری بر میخورد لازم میدانم عرض کنم که چون قدری کسالت داشتم نداشتن اظهاری بکنم و مقاصد خود را بوقع اجرا بیاورم امروز بنده نمائنده ام و نماینده یک تکلیفی دارد که مجبور است بآن عمل نماید و تا بحال شاید سیصد زنه تنظیم از آن نقطه که بنده نماینده آنجا شده ام رسیده است و تمام آنها را که روی هم مانده است بنده ضبط کرده ام باین استیضاح و بطوریکه هر سه ماهی بگرییم کابینه بهم میخورد و تجدید می شود تا قیامت استیضاح بنده باید بماند .

**رئیس** - پس حضرتعالی توجه فرمودید به اینکه استیضاح برای چیست استیضاح برای وقتی است که وزیر یک رفتاری بکند که مطروع مجلس شورا بجای نباشد وقتی که آن وزیر معرفی شد نباشد آن استیضاح را از وزیر آتیه نمود علاوه بر این حضرتعالی هر وقت یک استیضاحی دارید بفرستید که مثل سایر استیضاحات در مجلس قرائت شود و فرستاده شود .

**معاضد السلطنه** - سؤالی داشتم از آقای وزیر مالیه اگر اجازه میفرمائید عرض کنم .

**رئیس** - بفرمائید .

**معاضد السلطنه** - چند روز قبل بنده یک صورتی دادم به آقای وزیر مالیه که یک مبلغی هم دروازه ها می گیرند فرمودند من اطلاع ندارم و فراد شد که فدغن بکنند بعد از این نگیرند حالا می خواستم سؤال کنم که در خصوص وجوهی که گرفته شده است وزیر مالیه اطلاع دارند که چه شده است بحساب وزارت مالیه آمده است یا اینکه مثل سایر اموال دولتی جزء غارتی ها است دیگر اینکه این چیزهایی که مجدداً دارند می گیرند باز با اجازه وزارت مالیه است یا خیر .

**وزیر مالیه** - عرض میشود آنروز که این

سؤال اینجا شد بنده عرض کردم که اطلاعی از این وجوهی که گفته می شود می گیرند ندارم بعد تحقیق کردم که این ها چه وجوهی است گفتند این وجوه جزء وجوه دوائر ثلاثه است یعنی قیان و باندول و تریاک و این ابواب مع نظمی است که خودشان دریافت می کنند و خودشان بصرف می رسانند و این فرار در هیئت وزرای سابق داده شده بود که دیگر پول نظمی را دستی بآنها ندهند و همین طور پول این سه محل را بگریند و به مصارف نظمی برسانند و یک صورت حسابی بدهند که چه اندازه گرفته اند و بچه مصرفی رسانیده اند و بنده کاری که کردم این است که تقریباً باری یکشاهی را فوراً حکم کردم که این یکی را تجویز نمی کنم موقوف کنند و موقوف هم کردند ولی بقیه اگر چه از مجلس نگذشته است ولی چون قبل از انعقاد مجلس بوده است و تصویب شده است .

**وزیر مالیه** - جواب این مطلب معلوم است که همان جوابی است که در جواب آقای معاضد السلطنه گفتم و عرض کردم وزارت مالیه شاید اطلاع داشته باشد ولی وزیر مالیه بی اطلاع است بجهت اینکه بنده وضع نکرده ام اینها یک مدتی پیش وضع شده است ربطی بسایر مالیاتهای دولتی ندارد و همه میدانند نظمی جزء بلدی است یعنی مصارف او را شهرها باید بدهند نه از مالیات ملک وزارت مالیه مداخله در مالیات ملک می کند کاری بمصارف بلدی ندارد ولی سابق بر این شاید در وزارت مالیه و سایر وزرای قدیم رای داده شد که اخذ شود و مدتی هم بتوسط وزارت مالیه بنظمی داده مر شده است ولی امروز خود نظمی اینها را میگیرد و بمصرف میرساند ولی عقیده بنده مخالف این است و عقیده ام این است که در لایحه نوشته ام که آن دو فقره که یکی قیان داری و راه داری است و یکی هم باندول است موقوف شود و آن مالیات تریاک رسماً برقرار شود بتوسط وزارت مالیه اخذ شود و اگر وجهی با اداره نظمی باید داده شود بتوسط مالیه داده شود .

**رئیس** - آقای معاضد السلطنه سؤالی داشتید از وزارت مالیه بفرمائید .

**معاضد السلطنه** - پس معلوم شد عقیده وزارت مالیه این است که سوا مالیات تریاک سایر رسوماتی که برقرار شده است و جملاً برقرار گردیده متروک شود پس بنده هم تأیید میکنم اطلاعات وزارت مالیه را و تشکر میکنم که اینطور اظهار فرمودند خوب است از طرف وزراء یک تلگرافی بشود بتمام ولایات که این مالیاتهای جزئی را عاجلاً ترك کنند و جز مالیات تریاک چیزی نگیرند تا قانون آن از مجلس بگذرد .

**وزیر مالیه** - بنده این تلگراف را این دو روزه زود میدانم تا آن لایحه صورت قانونی پیدا کنند آتوق همینقدر استدعا میکنم که آن لایحه زودتر از مجلس بگذرد و قانونیت پیدا کند که بوقع اجرا بگذارد .

**رئیس** - جلسه آتیه روز پنجشنبه است و دستور آن از این فرار است .

رایزوت کمیسیون بودجه راجع به تسبیر غله و بقیه همین دستور است .

هیئت وزراء است موافق قانون است با معاضد السلطنه این وضع مالیات ازوری چه فائده است این را چه تصور میکنند و اگر در مجلس مطالبی بطریق سؤال سؤال میشود بکنطور جواب میدهند که نمیتوانم ساکت بنشینم و متقاعد بشوم اگر استیضاح میشود رعایت نزاکت در جریان امور هیئت وزراء نشده و اگر این مسائل جزء دوائر ثلاثه مقرر شده است از طرف مالیه باید بگریند یا نباید بگریند اگر باید بگریند صورت او را مشروح بنویسند بدهند یا در جرایم مشروحاً نوشته شود که مردم بدانند رعایت جریان امور وزراء شده است نمایندگان هم متعجبند در جواب سؤال اینکه از طرف موکلشان میشود چه بگویند وجه بنویسند .

**وزیر مالیه** - جواب این مطلب معلوم است که همان جوابی است که در جواب آقای معاضد السلطنه گفتم و عرض کردم وزارت مالیه شاید اطلاع داشته باشد ولی وزیر مالیه بی اطلاع است بجهت اینکه بنده وضع نکرده ام اینها یک مدتی پیش وضع شده است ربطی بسایر مالیاتهای دولتی ندارد و همه میدانند نظمی جزء بلدی است یعنی مصارف او را شهرها باید بدهند نه از مالیات ملک وزارت مالیه مداخله در مالیات ملک می کند کاری بمصارف بلدی ندارد ولی سابق بر این شاید در وزارت مالیه و سایر وزرای قدیم رای داده شد که اخذ شود و مدتی هم بتوسط وزارت مالیه بنظمی داده مر شده است ولی امروز خود نظمی اینها را میگیرد و بمصرف میرساند ولی عقیده بنده مخالف این است و عقیده ام این است که در لایحه نوشته ام که آن دو فقره که یکی قیان داری و راه داری است و یکی هم باندول است موقوف شود و آن مالیات تریاک رسماً برقرار شود بتوسط وزارت مالیه اخذ شود و اگر وجهی با اداره نظمی باید داده شود بتوسط مالیه داده شود .

**معاضد الملک** - پس معلوم شد عقیده وزارت مالیه این است که سوا مالیات تریاک سایر رسوماتی که برقرار شده است و جملاً برقرار گردیده متروک شود پس بنده هم تأیید میکنم اطلاعات وزارت مالیه را و تشکر میکنم که اینطور اظهار فرمودند خوب است از طرف وزراء یک تلگرافی بشود بتمام ولایات که این مالیاتهای جزئی را عاجلاً ترك کنند و جز مالیات تریاک چیزی نگیرند تا قانون آن از مجلس بگذرد .

**وزیر مالیه** - بنده این تلگراف را این دو روزه زود میدانم تا آن لایحه صورت قانونی پیدا کنند آتوق همینقدر استدعا میکنم که آن لایحه زودتر از مجلس بگذرد و قانونیت پیدا کند که بوقع اجرا بگذارد .

**رئیس** - جلسه آتیه روز پنجشنبه است و دستور آن از این فرار است .

رایزوت کمیسیون بودجه راجع به تسبیر غله و بقیه همین دستور است .

آقای معاضد الملک بقرار ذیل قرائت نمود .  
 آقای ارباب کیشرو ۳۶ رأی - آقای وحید الملک ۴۱ رأی -  
 خان سید نصرالله ۲۸ رأی - آقای حسنعلی خان ۲۷ رأی - آقای آقاشیخ ابراهیم ۲۴ رأی - آقای دکتر علیخان ۲۳ رأی - آقای معاضد السلطنه ۲۳ رأی - آقای حاج امام جمعه ۲۳ رأی - آقای میرزا محمد صادق طباطبائی ۲۰ رأی .

مجلس يك ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد  
**جلسه ۱۸۶**  
**صورت مذاکرات روز شنبه ۵**  
**ذیحجه الحرام ۱۳۲۸**  
 مجلس دو ساعت قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد .

صورت مجلس روز شنبه ۳۴ رأی آقای معاضد الملک قرائت نمودند .  
 غائبین جلسه قبل . آقایان میرزا علی اکبر خان دهخدا - سردار احمد - ممتاز الدوله - حاج وکیل الرعايا ( بدون اجازه غائب بعضی باستثنای میرزا علی اکبر خان که با اجازه غائب بودند ) .  
 آقایان . وحید الملک . مستشار الدوله . آقامیرزا محمد نجات . آقاشیخ رضا . ادیب التجار . فقیه الملک . آقا صد حسین اردبیلی . افتخار الواعظین لواء الدوله . سید اراعظم . آقامیرزا ابراهیم فمی نجم آبادی . رکن الملک . دو وقت مقرر حاضر نشده اند . حاج محمد کریمخان مریض بودند .  
 رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمائید .

**ارباب کیشرو** - اولاً بنده چنان تصور میکنم که این صورت مجلس خیلی مشروح نوشته میشود و بقدریک مجلس هم باید بگذرد که این خوانند شود بقیه بنده باید مختصر تر نوشته شود دیگر اینکه اینجا نمائشگاه ملی است و ما باید حسیات قالیان را بر وزید هم در صورتی که ما خودمان دارای زبان هستیم لازماً نیست الفاظ خارج را استعمال کنیم اینجا لفظ (کنسی دتا) نوشته اند در صورتی که در صورت مجلس هم باید بفارسی نوشته شود مسئله دیگر در خصوص مسترد داشتن امتیاز بود بنده در اینخصوص در همان شب هم اجازه خواستم و اجازه داده نشد حالا عرض میکنم که وزیر مالیه نمی توانستند اینکار را بکنند وزیر در مقام امتیاز خودشان حکم یک صاحب امتیاز دیگر ندارند و نمیتوانند اظهار خودشان را مسترد دارند حالا فرضاً حق هم داشتند و در اینجا هم ذکر شده است لکن هیچ معلوم نشد که این تقاضای ایشان را مجلس قبول کرده است یا خیر .

**رئیس** - بر حسب فائده اظهار ایشان صحیح نبود و نمیتوانستند آن امتیاز را مسترد داشته باشند باید وزارت فوائد عامه این امتیاز را مسترد دارد حالا چون ایشان مسترد داشته اند ممکن است که وزیر فوائد عامه هم مسترد بدارد و بجهت اینکه تمایب نکرده ام .

**وکیلالتجار** - اینجا بنده را که جزو دیر-آمده ما نوشته اند می خواستم عرض بکنم که حالت بنده مساعد اینکه درست در موقع خدمت حاضر بشوم نیست حتی بعضی از آقایان اطباء که حضور دارند بنده را از شرکت در نماز کرات منع کرده اند لذا خواستم عرض کنم که بنده هروقت ممکن باشد در سر موقع خدمت حاضر خواهم شد و هیچ وقت در موقع حضور تصور نکرده ام و امیدوارم من بعد هم قصور نکنم.

**ادیبالتجار** - اسم بنده را جزو دیر آمدگان نوشته اند در صورتیکه بنده در کمیسیون بودم حتی اینکه ناچارم از تقسیم زمین جا نهار خوردیم تا حالا که آمده ایم بمجلس.

**دکتر علیخان** - عرض بنده در صورت مجلس بود که آقای ارباب کیخسرو اظهار داشتند یک سؤال دیگری دارم اگر اجازه بفرمائید بعد از صورت مجلس عرض خواهم کرد.

**آقا محمد پروچردی** - در جلسه گذشته که آقای وزیر مالیه امتیاز حلاشوئی را مسترد داشتند همینطور بود که اظهار شد در روزنامه ایران نو نوشته است وزیر مالیه تقاضا کرد که بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آنپه خوبست مواظبت کنند که برخلاف واقع نوشته نشود.

**رئیس** - این اولاً در صورت مجلس نیست ثانیاً ما مسئولیت روزنامه ایران و وراثت را داریم که خلاف واقع بنویسند.

**معاضد الملک** - اسم آقای وکیلالتجار که جزو غایبین بود نه جزو دیر آمده ها اسم ادیبالتجار و حاج وکیل الرعایا بود اما در خصوص مجلس که آقای ارباب کیخسرو ایراد فرمودند که صورت مشروح نوشته شده بهشت رئیس نامه های اتخاذ کرده اند برای سئوالات و استيضاحات یکروز هم در مجلس اعتراض شده بنده عرض کردم که چون این سؤال از اقدامه سؤال خارج شده برخیز بن سئوال و استيضاح است بهشت رئیس نمیتواند مسلکی اتخاذ کند که مقتصر تر از این نوشته شود خوب است سؤال را خارج از موضوع نفرمائید که میتوان بطور مختصر نوشت یکی هم آن که آقای ارباب کیخسرو در باب الفاظ خارج فرمودند که استعمال نکنند اگر خود نمایندگان اظهار نکنند در صورت مجلس نوشته نخواهد شد (کنسی دتا) گفتند از اینجهت در صورت مجلس نوشته شده است.

**بهجت** - قانوناً گویا همینطور باشد که هر گاه اعتبار نامه کسی آمد بمجلس رجوع شد بنده باید رد شود یا قبول شود باین واسطه میخواهم بیاد آوری کنم که وکیل هموزن آقای اصیغ علی نقی اعتبار نامه اش تقریباً ماههاست که آمده است بمجلس و راجع شده است بشعبه چهارم در این مدت همینطور مانده است نرود شده است و قبول گمان نمیکند قانوناً ممکن نباشد و ما بیک اعتبار نامه همینطور موق بماند بایستی هم موکین بدانند و هم وکیل بدانند که وکالتش صحیح است بیاید بمجلس یا تجدید انتخاب

شود در صورت باید تکلیف اومین شود.  
**افتخار الواعظین** - بنده که مخیر شعبه چهارم هستم با قاضی میکنم که تاکنون که در شعبه چهارم هستم هیچو اعتبارنامه ای که میفرمایند بنده نیامده است و اعضاء شعبه چهارم همچنین اعتبارنامه ای را تا کنون ندیده اند و وقتیکه اعتبارنامه بیاید رئیس شعبه را خبر میکنم و حاضر میشوند و پیش از یکروز یا دو روز طول نمیکند تکلیف آن نماینده معلوم میشود هیچو اعتبار نامه ای تا بحال بشعبه نیامده.

**رئیس** در باب اعتبار نامه باید تحقیق شود و بنده هم نظر نیست البته بعد از تحقیق تأکیده میشود.  
**دکتر علیخان** میخواستم عرض کنم که مسئله مستخدمین خارجه با آنهمه اهمیتی که داشت مدتی است گذشته است و بنده سابق سئوالی نمودم در این خصوص جوابی داده نشد بعد استیضاح کردم باز جوابی داده نشد می خواستم از آقای رئیس سؤال نمایم که در این خصوص چه اقدامی کرده اند و مسئله مستخدمین خارجه یکجا رسیده است از طرف هیئت رئیسه تأکیده میشود یا خیر.

**رئیس** - تأکید البته میشود یادآوری میکنم که بیاید جواب استیضاح را بدهند رایورت کمیسیون فریاد عامه را بشنوند ذیل آقای آقا میرزا ابراهیم خان فرایض نمودند و قانون تشکیلات وزارت فریاد عامه که از مجلس بکمیسیون عودت داده شده بود با حضور معاون وزارت علوم و فریاد عامه مطرح مذاکره کرد ب کمیسیون و معاون وزارت فریاد عامه بالاتفاق برهم زدن قانون تشکیلات دو وزارتخانه را

رای نداده چنانچه بمجلس معاودت می دهند باین منی که چون قانون وزارت علوم در مجلس تصویب شده و هنوز تشکیلات آن به نامه صورت خارجه پیدا نکرده معاون وزارت علوم و فریاد عامه سعی نمایند که نظر بصفه بودجه در باب فریاد عامه و معارف را هر قدر ممکن باشد زیاد تر و مربوط بیکدیگر ترتیب داده حفظ صرفه دولت را بنمایند و کمیسیون پیشنهاد نموده که جالتاً بر اثر ذیل این دو وزارتخانه را مرتب کنند [۱] دایره ویران کابینه وزارتخانه [۲] معاون وزارتخانه بکندر [۳] مدیر کل یک نفر [۴] دایره معارف و عتیقات [۵] دایره اوقاف [۶] دایره جنگلها و آبیه و باغات [۷] دایره معادن و راهها و مباح [۸] دایره تفتیش [۹] دایره محاسبات.

این دایره که ذکر شد هر يك دارای همان وظایف میباشد که در قانون تشکیلات دو وزارتخانه در مجلس شورای ملی تصویب شده و خواهد شد و نیز کمیسیون پیشنهاد می نماید نظر با اهمیت وزارت علوم و فریاد عامه که بکنفرم مدیر کل را ازاد و واجاب و استخدام نماید.

**حاج سید ابراهیم** - در این قانون بعضی لواجق قانونی راجع باین ادارات گذشت یکی لایحه معارف و اوقاف بود در این جا وقتی مذاکره شد مذاکره دایره شد نه اداره اوقاف اداره بود و هم را بمنوان اداره نوشته بود اداره تحقیق اداره تفتیش اداره مشاوره همه اش را بنده ایراد

کردم لهذا تغییر دادند معارف را بمنوان اداره نوشته بانی بمنوان دایره تفتیش و فلان حالا در آنجا آن چیز را که دارای داده ایم بمنوان دایره عنوان اوچه خواهد شد برای اینکه ما اینجا آنچه را که باسم اداره گذاشته بودیم دایره گذاشته شد و حالا شمبات او را باید تغییر داد و در حقیقت باید همین شود و دیگر اینکه اینجا می نویسد ۹ دایره این ۹ دایره نیست بهجهت اینکه ما متراً نمی شود گفت که یک دایره است برای اینکه اینها نامشخص هستند پس باید تجدید نظری کنند بگویند شش هفت تا شش دایره است و اما در آن مسئله آخری که یک نفر مدیر کل ازاد رویا استخدام نمایند این پیشنهاد تازه نیست ما دانستیم که برای هر يك از وزارتخانهها باید یک نفر مدیر کل جلب نمایم اما نظر باینکه از کجا باشد و کی استخدام بشود و عقیده وزیر در اینجا چه چیز است از این حیث هم ما از این مطلب ناخوش است خوب است در این خصوص هم توضیحی بشود کمیسیون عقیده اش را اظهار میکرد که از کجا استخدام شود.

**منتصر السلطان** - همین قسمی که فرمودند قانون معارف از مجلس گذشته در این قانون وزارت فریاد عامه که کمیسیون پیشنهاد بمجلس کرده است و مجلس این را تصویب کرده است و عودت داده است بکمیسیون عقیده کمیسیون این شده و این ترتیب را پیشنهاد کردند زیرا از برای صرفه ملک صلاح دانستند این قانون عیناً از مجلس بگذرد و تشکیلات یک وزارتخانه ناسف نباشد و تکمیل باشد برای سهوات و صرفه دولت چون امروز قانون وزارت علوم بوجوب آن لایحه ای که پیشنهاد شده کاملاً تشکیل داده نشده و قانون مجازات وزارت فریاد عامه هم هنوز تشکیلاتش کامل نشده است باین شکل پیشنهاد کردند که هر گاه مجلس شورای ملی صلاح بداند باین شکل تشکیل شود و اینکه گفتند مدیر کل این خودش یک دایره است و یک اطاقی نیست (برسنل) یعنی اشخاصیکه در اطاق مدیر کل است که یک شعبه است و بعضی چیزهای دیگر که متعلق ب مدیر کل است اینها را او رسدگی میکند نه اینکه خود او یک دایره است شخص او سبب دایره است که در واقع بعضی تکالیف دارد در آن اداره بعضی وظایف هم هست که با او هم باید برسد و در اینجا که ملاحظه می فرمائید دو ققره از اینها که هشتم و نهم باشد که تفتیش و محاسبات است در هم یکی میشود و اینها را در اینجا قرار داده ایم که یکی باشد بجهت اینکه وزارت علوم و اداره تفتیش یکی باشد و همچنین دایره محاسبات این دو وزارتخانه را هم یکی کرده ایم برای صرفه بودجه در واقع چهار دایره اینجا شده است که ملاحظه فرمودید.

**رئیس** - حالا در باب این دایرتی که خوانده شد گمان میکنم که مذاکره لازم نیست و فعلاً در آن رایورت اولی که در باب ادارات وزارت فریاد عامه نوشته شده است رای بگیریم و تکلیف او معلوم بشود آنوقت در قسم ثانوی یعنی بعد از آنکه دوایر وزارت فریاد عامه بآن شکل رای داده شد بدبرای صرفه دولت ادارات وزارت معارف را یکی کنند و باین شکل در پاورد رای خواهیم گرفت

حالا بر حسب قاعده باید بر آن مواد اولی رای بگیریم رایورت اولی خوانده میشود و شور ثانی در مواد او بصل می آید.

**عزز الملک** - اینجا بعقیده بنده کمیسیون در موقع شور اول قانون اداری وزارت فریاد عامه مذاکرائی در مجلس شد بهین جهت هم این مسئله راجع شد بکمیسیون ولی کمیسیون گویا آن مقصود مجلس را درست دقت نفرمودند و نظر بود در اینجا بعضی میگفتند یک تشکیلاتی نوشته شود که باید از برای یک وزارتخانه باشد و فریاد عامه را یک وزارتخانه نمی دانستند و یکی اینکه گفتند وزارت علوم و وزارت فریاد عامه باید دو وزارتخانه باشد یعنی ترتیبات آنطوری نوشته شود که تمام اداراتی که برای دو وزارتخانه لازم است در آن جمع باشد یک نظر دیگر این بود که خیر این وزارت فریاد عامه نیست و اداره فریاد عامه است و این دایره ها هم راجع میشود به یک اداره و هر دو اداره در تحت یک وزارتخانه دیگری که اسمش وزارت گذاشته میشود و وزارت معارف و فریاد عامه است اداره خواهد شد این مسئله خوب در کمیسیون شکفته و از هم جدا نشده است بنده یکی از کسانی بودم که این عقیده را داشته

و دارم در این رایورت ثانوی که کمیسیون داده است بعضی اصلاحاتی در آن گویا شده است که در لایحه قانونی سابق گذشته است و اگر بخواهیم بآنها رای بدیم مثل رای در چیزی است که یک مرتبه دیگر هم در آن رای داده ایم حالا باز اینجا نظر همان است باینکه اگر در قانون برای چه می نویسند برای اینکه اینها را برای چه می نویسند و فریاد عامه و معارف ما یکی و بشکل امروزه خواهد بود بعد تغییر خواهد کرد پس ما وقتی که می نویسیم باید در قانون دو اداره را بنویسیم پس وقتی که قانون در اداره را می نویسیم آن چیزهایی که مکرر است در این دو اداره نباید نوشته شود بجهت اینکه اگر نوشتیم در آنجا وزیر کابینه وزیر بار مکرر کنیم و در اینجا ذکر کنیم باید اجرا شود با خبر چون در لایحه وزارت علوم نوشته تکرار شود اداره فلان و فلان مدیر فلان و معاون دایره وزارت چه وجه اینها را قانون بکنیم از مجلس بگذرانیم و بگوئیم اینها را اجرا نخواهیم کرد این خیلی بد است بعقیده من چون حالا اینطور پیش آمده است بهتر آنست حالا که این دو اداره در تحت اداره یک وزیر خواهد بود همانطور بگذرد یعنی محتاج دو اداره محاسبات و دو اداره تفتیش و دو معاون نخواهد بود دیگر نباید در اینجا بنویسیم بلکه باید بنویسیم همان چیزیکه در لایحه وزارت علوم گذشته است بهینجهت چیز تازه ای در اینجا نیست و آنرا رای بگیریم والا این یک چیز تازه ای نیست و اگر اینرا دو اداره کنیم باز یک چیز غریبی خواهد بود.

**منتصر السلطان** - در این که فرمودند که فریاد عامه را اداره فرض کنیم یا اینکه وزارتخانه فرض کنیم عقیده کمیسیون اینست که اداره فریاد عامه را باید وزارتخانه فرض کرد چون وزارت تجارت وزیر ندارد چنانچه ممکن است در چندی دیگر بیاید که وزراء پیشنهاد کنند که وزارت فریاد عامه تشکیل شود و آنرا بخواهند وزارتخانه اش بکنند و تجارت را هم با انونام و یک وزارتخانه بکنند امروز که ما رای دادیم که این فریاد عامه اداره شود ممکن است که از این رای برگردیم دیگر این است که هیئت وزیران باید یک پیشنهادی بکنند و مجلس هم به آن پیشنهاد با کثرت رای بدهد بعد داخل شویم در مواد آن ولی امروز حس میکنیم که نمیتوانیم وزارت فریاد عامه باین بزرگی را بیاییم اداره کنیم و آنهم یک شعبه یا دو شعبه یا دو اداره آنطوریکه آقای معزز الملک آنروز پیشنهاد کردند که دو اداره باشد باین جهت کمیسیون نمی تواند حاضر شود و قبول کند که یک وزارتخانه به این مهمی را یک دایره کند و رای هم ندارد.

**حاج آقا** - بنده میخواستم خاطر آقایان معزز الملک و سایرین را متذکر نمایم که این لایحه

در زمان وزارت فریاد عامه آقای صنیع الدوله بمجلس آمد ایشان تمام را در یک وزارتخانه نوشته بودند و وزارت علوم و وزارت فریاد عامه وزارت اوقاف تقریباً کمیسیون هم همانطوریکه پیشنهاد وزیر بود تصدیق کرد ولی در مجلس که آمد اکثریت این طور رای داد باید قانون این دو وزارتخانه از یکدیگر تفکیک شود یعنی دو وزارتخانه تأسیس شود در تحت یک وزارتخانه یعنی در قانون تأسیسات چون دو وزارتخانه است بنده فراموش نکردم بخاطر دارم و مخصوصاً بگفتن این قانون بکمیسیون برای همین شد و این قابل مذاکره نیست خواهش میکنم که دیگر مذاکره در آن نکنند اما اینکه آقای معزز الملک اظهار کردند که قانون نوشته میشود برای اجرا صحیح است البته قانون برای اجراست ولی ممکن است موافقاً یک چندی تعدیل باشد مثلا فرض بفرمائید هیئت متنه امروز رای داده است که هیئت وزراء سه ماه چهار ماه پنج ماه بر ترتیب نظامی عمل کنند و در این بین هم قوه مقننه مشغول نوشتن قانون باشند ولی این یک عیبی بمقننه است بانیست نمایند بواسطه اینکه یک وقتی ممکن است قانون نوشته شود لیکن ترتیب جریان این قانون را در ترتیب دهند یک شکل دیگر ما یک چیز دیگر عمده که در نظرمان هست این است که این دو وزارتخانه بواسطه شدت کارش خیلی اهمیت دارد که اگر در اول وقت همگان بخواهیم از هم متفک بکنیم بتوانیم بکنیم تمام نظر ها باین است که امروز در تفریح اینها یک توجه بودجه ای شده والا اینکه قانون آنها اینطور نوشته شود رای گرفته شده است و اگر هم بنا شود آنرا نخواهیم اینجا پیشنهادی که وزیر کرده هیچ محتاج بمذاکره کردن و هیچ لازم به رای گرفتن نیست بواسطه

اینکه سابق رای گرفته شده است و بهینطوریکه کمیسیون پیشنهاد کرده است اگر مقتضی دیدند بخواهند و اگر مقتضی ندیدند که هیچ.

**رئیس** - اینکه میفرمائید پیشنهاد ثانوی کمیسیون رای بگیریم این میشود بجهت اینکه این لایحه اولی را رای نگرفته ایم ما فقط تشکیلات فریاد عامه را رای گرفتیم این معین است ولی در ادارات فریاد عامه هنوز رای داده نشده است یعنی در شور اول رای داده شده ولی در شور ثانی رای داده نشده باید در مقام خودش رای گرفته شود همینطوریکه وزارت فریاد عامه پیشنهاد کرده اند حالا این وزارتخانه را بمجلس رای داده است و باین شکل قانونش را نوشته است باین طریق ما هم تفریق میکنیم.

**ارباب کیخسرو** - احاطر قانونی دارم آنجا در نظامنامه داخلی می نویسد که آقایانیکه نطق مقصلی دارند تشریف ببرند آنجا ( روی میز نطق) بنده نمیدانم اگر اینها نطق مختصر باشند نطقهای مفصل چه خواهد بود خوب است رعایت این را بکنند.

**رئیس** - ما از پیش که نمایندیم ایشان نطق مفصل دارند یا مختصر این رعایت با خود ناطق است چنانچه خودشان میدانند که مفصل است تشریف ببرند بمجلس نطق.

**حاج سید ابراهیم** - اگر در لایحه اول رای بگیرند صرفی ندارم.

**فهم الملک** - در موقع تعیین تشکیلات اداری وزارتخانه ما بنده مخالف این ترتیب قانون هستم بجهت اینکه قانونیکه برای وزارتخانه ها تعیین میشود فقط باید آن قسمت از مشاغل دولتی را که انجام او بعهده آن وزارتخانه است او را معین کرد ولی تشکیلات او را معین کردن بجهت اینکه تشکیلات اداری ممکن است با اقتضای وقت تغییر کند قانونیکه تشکیلات ادارات را معین میکند قانون بودجه است که هر سال در موقعیکه بودجه هر وزارتخانه پیشنهاد بمجلس میشود وزیر اظهار میکند آن تکالیفی را که آنجا باید انجام بدیم بطور می توانیم اینجا انجام بدیم یعنی از برای آنجا چه اداره چه دایره باشد یعنی ترتیب این را بطور می توانیم معین کنیم و چقدر خرج بودجه تبدیل میکنند یکسال دیگر ممکن است یک شکل دیگری نمایند یا اعضاء را زیادتر کنند یا ادارات را زیاد تر کنند یعنی معارجیرا که برای آن ترتیب در نظر دارد آنوقت در بودجه معین میکنند همینطور باید از روی بودجه بمجلس نهایت نهایت مجلس آن وظایفی را که قانوناً از برای آن وزیر معین کرده از او میخواهند ولی حالا در ضمن بودجه یک اداره را زیاد بدانند آنرا تصویب نکنند یعنی اینست که آن اداره را زیاد میدانند و باید آن اداره موقوف شود و انجام کار او را اداره دیگر انجام نماید تصویب و تفتیش ادارات باید از روی بودجه باشد در اینکه تا قانونی بنویسیم و ترتیبی معین کنیم برای ادارات صحیح نیست که ما ادارات را قسمت کنیم و معین کنیم از برای وزارتخانه و بعد بگوئیم صلاح نیست



امروزه اجرا شود چون بودجه مساعد نیست حالا چون صلاح نیست که ماده آنرا بوضع اجرا بکنیم بپند عرضه میکنم اگر صحیح است چرا اجرا نمیکند اگر فلت است چرا نوشته شده قانون اگر نوشته میشود باید مجری شود وانگهی قانونیکه هر روز ممکن است تغییرات پیدا کند همین حالا هم نویسیم می دانیم محتمل است تغییر پیدا کند در صورتیکه آن اداره هم هنوز تأسیس نشده است در شرف تأسیس است و ضمناً ممکن است اختلافی پیدا کند این بسته بنظر وزیر است و ما نمی توانیم که اینرا الان تأسیس نمایم اینها باید با اختیار وزیر باشد که دستش باز باشد و بتواند کار بکند امروز ما اینجا قانون وضع کنیم و بعد وزیر برود اداره اش را تشکیل نماید اول باید يك ادارات مملکتی داشته باشد این تقسیم این هیچ معنی این نیست که وزیر برود يك ادارات را همین ترتیب تشکیل کند حالا در این پیشنهادیکه شده است از طرف کمیسیون این راپورت ثانی را بنده قانونی نمیدانم همان راپورت اولی صحیح است در راپورت اولی هم فقط در ماده است که ماده دوم و چهارم باشد که آنها را مجلس باید مذاکره کرده رای بدهد که تکلیف وزیر معلوم باشد که مشتمل بر همین آن دو وزارتخانه است که فواید عامه و معارف است آنرا هم باید مجلس تکلیف او را معین نماید اگر خودش هم يك وزارت بالاست تقاضای شد که سایر ترتیبات قانونی در آن معلوم میشود و در ضمن بودجه ترتیبات اداری او معین میشود و فقط در اینجا ماده ۲۰۴ که تعیین وزارت و وظایف وزارتخانه را معین میکند بنده کافی میدانم

**منتصّر السلطان** — بکننده را بنده باید اینجا عرض کنم که قانون وزارت علوم در وقتیکه از اینجا گذشت دارای يك دایره وزیر و مدیر کل و معاون پارلمانی بوده و در اینجا تصویب شد و اگر بنا این پیشنهادی که کمیسیون مجلس کرده است بهمان ملاحظه است که آقایان میگویند در آن صورت آن قانونیکه تصویب شده است و حالا فواید عامه را اداره یا دایره تصویب بکنیم در صورتیکه معاون پارلمانی آن الان هم در وضع حضور هم برسانند چه باید کرد اینصطاب رابر نظر داشته باشید آنوقت هر چه بنظر شما میرسد بفرمایند بکنند وقتي هم به اینجا باید داشته باشید

**افخثار الواعظین** - بنده هم علت را می گویند و مذاکره کردن را نمی دانم که راییکه در این میدهم و مذاکره ای که در این میکنیم چه فایده بر آن مترتب است اگر آنرا اینک رای داده ایم امروز بفرمان اجرا گذاشته خواهد شد و امروز پس از رای فوراً تشکیل خواهد شد و وزیر آن قانون را فوراً باید مجری بدارد خیلی مطلب صحیحی است و باید مطرح شود و بگذرد و اگر از برای شیب مالی تأسیس نمی شود آن ادارات مجری نخواهد شد این قانون بنده نمی دانم آن قانون و فواید عامه چه خواهد بود و در اینجا هم بنده عرض میکنم که موافقم با آقای معز الملک وزارت فواید عامه را آن روز مجلس رد کرد گفت وزارت فواید عامه نیست و اداره است وزارت علوم دارای چند اداره خواهد بود که یکی است اینها را منبر سؤال میکنم نوشته است که اینها و وزیر فواید عامه و فلان این غیر از کابینه وزارت تأسیس میشود با همان عین اوست اگر عین او است دیگر رای دادن این زیاد است بجهت اینکه کابینه دیگر با هم فواید عامه نخواهد داشت و اگر مقتضی شد با روزی وزارت فواید عامه

هم داشته باشیم در همان وزارتخانه قانونش مجری باشد البته همانروز قانون تشکیلش بمجلس خواهد آمد و مجلس هم آنروز حاضر خواهد بود و دیگر اینجا نوشته است معاون وزارتخانه در صورتیکه ما فواید عامه را اداره قرار دادیم زیادی است بعد از رای دادن این مسئله بمعاونی خواهیم داشت با هم معارف و وزارت فواید عامه که دو معاون خواهد بود دیگر اینکه اینجا می نویسد مدیر وزارت فواید عامه اگر بکنفر مدیر است دو اداره میکند وزارت علوم و فواید عامه و اوقاف رایس ذکرش زیاد است در اینجا و هکذا تفتیش و محاسبات چیزی که باید مطرح شود و مذاکره کرده رای گرفته شود یکی دایره معارف و عقبات یکی اوقاف یکی فواید عامه یکی دایره جنگلهای و مباح یکی دایره جنگل و باغها و یکی آب و راهها و دیگر تأسیس جدا گانه نخواهد بود و سایر آن دایره ها ابتدا نباید مطرح شود بجهت اینکه تأسیسات جدا گانه نیست و همان قانونی است که در ضمن تشکیلات وزارت علوم رای داده شده است.

**منتصّر السلطان** - چند دفعه می بینم که ذکر میشود که مجلس رد کرده اند وزارت فواید عامه را و بچنین چیزی رای گرفته نشده اینرا نکند بکنم رسماً و چیزی چیزی نشده اگر بود هیئت رئیس کمیسیون بودند استمعا دارم از نمایندگان که دیگر این فرمایش را نفرمایند و اما در باب معاون ذکر شد در آن قانون وزارت علوم معاون هیچ نبوده و در اینجا هست و وظایف اینجا ذکر شده است قانونیکه در باب اداره فواید عامه نوشته ایم و وظایفی در هر ماده اش نوشته شده است خوب است ببینند وظایف را می شود در نظر کرد رای ندهند ما این ترتیبی که پیشنهاد کرده ایم بمجلس تمام وظایف آنرا گذاردیم تمام وظایف را بعهده این اشخاص گذارده ایم که با بکنند بودجه که خیلی کم کرده ایم تمام وظایف وزارت علوم و وزارت فواید عامه را همین اشخاص باید انجام بدهند

**مقتضی قلبخان** - در این مسئله خوب است که آقایان نمایندگان متوجه باشند که از اول که این لایحه بمجلس آمده است چند قسم مذاکره شده است در اول که این لایحه از وزارت فواید عامه آمد بمجلس تشکیلات اداره علوم و فواید عامه را متفقاً اقتضای الواعظین که می فرمایند این دو وزارتخانه در تحت يك وزارتخانه باشد مخصوصاً گفت که باید این دو وزارتخانه باشد و مخصوصاً باید از مهم منفک شود نه اینکه مثل هست و تلگراف باشد که در تحت يك وزارتخانه است دو وزارتخانه باشد در تحت يك وزیر هرفرت مقتضی شد دو وزیر اداره کند در هر صورت باید این دو وزارتخانه را یکی بکنند پس بطور صحیح دو وزارتخانه تشکیل باشد نهایت در تحت امر يك وزیر وقتی که مقتضی شد باید از هم تفکیک شود بمحکم قسم قرار شد و برگشت بکمیسیون بعد از آنکه بکمیسیون رفت قانون تشکیلات آنرا نوشتند و رای دادند و طبع هم شد و همان رانی که مجلس داد در باب تشکیل معارف خودش دلیل بود که فواید عامه را از معارف بکلی مجزا نکرد و اطمینان می دمم این لایحه که از کمیسیون آمد در

بمجلس پیشنهاد کنند که در باب آن مبلغیکه از برای فرانسیته های طرف شمال کمیسیون پیشنهاد کرده بود که خیلی خیلی اهمیت دارد رای وزارت داخله هم معلوم شود و تا حال چند روز است معطل شده است و آن روز عرض کردم که تمویق اینکار مضر است و خیلی ضرر دارد و لازم است که خیلی تأکید شود در این باب که زودتر اقدام شود و تأخیر شود بمقیه بنده پاسخ فایده ندارد برای این که آنقدر وقتی بول بهار نماده است و یقیناً اگر ارجحاً شروع نکنند آن نتیجه کاملی که در اول بهار باید حاصل شود بستم نخواهد آمد .

**رئیس** - فرستادیم وزارت داخله تا کید هم میکنم زودتر پیشنهاد کنند .

رایورت کمیسیون تفتیش امرنان که صورت آن در جلسات فرات و در ضمن مذاکرات درج شده و رجوع بکمیسیون بودجه شده بود با رایورت کمیسیون بودجه در اینخصوص از برای ذیل فرات شد - کمیسیون در روز شنبه دویم شهر ذیحجه الحرام در تحت ریاست آقای میرزا مرتضی قلی خان منعقد گردید در خصوص راپورت کمیسیون تفتیش امرنان و تقاضای وزارت چلبه داخله در تهیه شهزاد خروار گندم برای نصف خوراک هشت ماهه طهران و تخفیف دادن قیمت گندم دیوانی را از گندم میدان که تا زمانی شد بالاخره احد رای و با کثرت بدو تصویب شد (در وزارت مایه شهزاد خروار گندم را از هر محلی که صلاح میدانند تهیه نمایند و دقت دهند نه کران وارد شود تا نایب کمیسیون رای می دهد نه دولت بعضی ملاحظه حال عموم مبلغ ۳۶ هزار تومان از قیمت گندم دیوانی نسبت بشرح متداول تخفیف دهد مشروط بر اینکه وزارت داخله ترتیب صحیحی در باب آن بدهد که این تخفیف قیمت به عموم فایده برساند در باب باقی مطالب راپورت کمیسیون تفتیش امرنان چون راجع بکمیسیون بودجه نبود مذاکره نشد و مشروط برای مجلس مقدس است .

**ادیب التجار** - بنده در اینخصوص عرضی ندارم در صورت مجلس عرض دارم که آقای رئیس الوزراه وعده دادند که در روز شنبه وزیر علوم راه معرفی کنند در صورت مجلس فید نشده بود می خواستم پرسیم که بنابود روز شنبه تشریف بیاورند اطلاع دادمانه تشریف خواهند آورد که وزیر علوم را معرفی کنند یا خیر .

**رئیس** - اطلاع داده اند .

**ادیب التجار** - پس مجدداً باید از آقای رئیس الوزراه استبضاح کنم .

**افخثار الواعظین** - بنده در باب امر گندم می خواستم عرض کنم که این یکی از مسائلی است که می بایدست بآن خیلی اهمیت داد بجهت اینکه وقتیکه اسباب تنگی باشد برای مردم اسباب اشکال نان فراهم باشد ممکن است که اسباب خیلی گرفتاری ما را برای اولیاء امور فراهم آورد و فراهم کردن این شهزاد خروار گندم را اصلاح میدانم که دولت بهتر نمیی که صلاح میدانم فراهم نماید و در باب این که مجلس رای بدهد که مبلغ ۳۶ هزار تومان از قیمت

متداول تخفیف دهد خیلی صحیح است ولی مشروط به مشروط یکی اینکه قیمت نان در تحت نظر دولت باشد و یکی اینکه معلوم باشد نان را بچه قیمت خواهند فروخت و قیمت عادلانه میدان هم معلوم باشد ولی قیمت نان در دست خودش و به سیر خودش باشد آنوقت صحیح میدانم که از قیمت گندم دیوانی چیزی کاسته شود والا در صورتی که نرخ گندم آزاد باشد و قیمت نان دست خبازها باشد که هیچ معلوم نباشد که بچه قیمت و بچه شکلی نان را می فروشد در این صورت مطلقاً تصویب کردن کسر قیمت این ۳۶ هزار خروار گندم يك فایده خواهد داشت و آن اینست که ما يك ضرری بدولت میزنیم و برای خبازها يك منفعتی فراهم میکنیم وقتی مقید است کاستن قیمت گندم دولت که نرخ دست دولت باشد و خبازها مجبور باشند که نان را بهمان قیمتی که دولت معین کرده است بفروشند والا ضرر فاحشی بدولت زده میشود و فایده بجال عموم نخواهد بخشید و در این باب باز عرض اولی خودم را تکرار میکنم که این یک مسئله بسیار مهمی است که میتواند برای مامه قسم اسباب اشکال را فراهم کند پس لازم میدانم کمیسیون تفتیش امرنان به تقاضای وزارت داخله هفته بیکمرتبه دایر و رسیدگی نموده نظر داشته باشند که آقایان چینی را که دولت تمهید میکند میتواند وارد کند و آسمن برف را بهانه قرار نخواهد داد و این شهزاد خروار را تهیه میکند یا نمیکند عرض این است که در عملیات نظر داشته باشند والا خیلی اسباب زحمت برای ما فراهم خواهد آمد .

**رئیس** - در اینصورت فتره رایورتی که خوانده شد متوجه میکنم خاطر آقایان را که در سه مطلب باید مذاکره کرد و رای بگیریم یکی در آن دو فقره که در راپورت کمیسیون بودجه است که تهیه شهزاد خروار گندم و (۳۶) هزار تومان تخفیف قیمت گندم یکی در خصوص فقره آخری راپورت کمیسیون تفتیش است که روزی صد و پنجاه خروار گندم اجازه داده شود که از اول قوس وزارت داخله از انبار دولتی بخرند یا بدهد این سه فقره است که باید مذاکره کرد و رای داد و پاره چیز های دیگر است که رای دادن و مذاکره کردن ندارد پس در این سه فقره باید مذاکره کنیم در باب تهیه شهزاد خروار گندم که ۳۶ هزار تومان تخفیف قیمت و در باب اینکه روزی یکصد و پنجاه خروار گندم بدولت اجازه داده شود که بخرند یا خیر .

**ارباب کبخسرو** - خیلی لازم بود در اینصورت وزیر مایه وزیر داخله بالا اقل معاونین آنها در اینجا حاضر باشند تا مذاکرات با حضور آنها شده از مذاکرات نتیجه حاصل شود مثلا در دو جلسه قبل که در باب بلدی با حضور وزرا مذاکرانی بمان آمده آنچه استنباط شد تقریباً بلدی منفصل است پس لازم بود وزیر داخله یا معاونانش در اینجا حاضر باشند و جواب بگویند که آیا تدارک این جنس بعد از اتصال بلدی به توسط که میشود و کدام اداره مسئول اینست خواهد بود تا دانسته و فهمیده و مطمئناً در اینجا رای داده شود - نکته مهم دیگر که لازم است عرض کنم البته نظر آقایان نمایندگان هست که در سه ماضی آقای حاج و کبیل الرعايا در مجلس متقبل شدند برای رفع تنگی غله در طهران

بیست هزار خروار گندم دارد خواهند کرد پس از آنکه کمیسیون بجهت تفتیش مایه از طرف مجلس انتخاب شد که بنده هم یکی از اعضای آن کمیسیون بودم و بعد از سه جلسه حضور در آن کمیسیون استعفا دادم آنچه در آن سه جلسه بر بنده مکتوف شد علاوه آنکه حاج و کبیل الرعايا مبلغی از وجه اعانه را مذکور مبداشت بجهت تدارک آن بیست هزار خروار جنس برداشت کرده است و نیز مبلغی وجه نقد بجهت همان مقصود از وزارت مایه گرفته است که چهلان تقریباً نود هزار تومان و چیزی بالا میشود و وقتیکه در کمیسیون تفتیش در مقابل این وجه از حاج و کبیل الرعايا سؤال میشد حساب آن کجا است جواب میدادند که سه هزار خروار بیشتر وارد طهران نشده و هفتاد هزار خروار در محل است بعد از ورود بقیه حساب میدهند - در وقتیکه بنده در کمیسیون فوائین مالی از معاون وزارت مایه در حساب اعانه حاج و کبیل الرعايا سئوالی کردم جواب دادند که حاج و کبیل الرعايا در ضمن حساب اعانه چهل هزار تومان قلمداد کرده است که برای تهیه جنس پرداخته است و در صورتی که معلوم شود آنچه در محل جنس باشد از حساب اعانه تقریباً (۱۳) هزار یا (۱۴) هزار تومان حاج و کبیل الرعايا طلبکار نمیشود - در اینصورت لازم بود وزیر مایه به معارضین حضور داشته باشند معنی شود آیا حساب گندم پارصل که آنها وجه دولت در حال نشانی در آن معن توفیق شده بنحج رسیدن آن بقیه جنس چه شده بر لزوم رسیدن یا نه در محل است - و لا چلونه میشود هر وقتی ما با هم رعایت حال عموم بکنیم چیزی تصویب کنیم و در اینجا بچه مصرف رسیده وجه نتیجه بعد عموم وجه رعایتی بجال فقره و بچاره دان شده است و یا ان رعایتی (منظور بود معنی حال عموم) اسباب رهنهت آنها شده است یا خیر یا بهر قسمی صلاح میدانند از زمینجان یا سایر جاها وارد می کنند اما در باب جنس حاج و کبیل الرعايا چون وظرفه ما نبود در آن کار وارد شده تفتیش رسیدگی نکردیم از اینجهت اطلاعی ندارم .

**دکتر حیدر میرزا** - بنده هم موافقم ولی در باب تخفیف قیمت اینطوریکه عرض می کنم عقیده دارم در باب گندم که دولت می دهد این جنس را یا از انبار می دهد یا از کمیانی خواهد داد در هر حال خوب است بجای این تخفیف فرار بکنند که تقریباً گندم را بوجاری بکنند که آن ده يك که تقریباً ۳۶ هزار تومان است عوض کسر خاک قرار بدهند و گندم بوجاری کرده بدهند که هم مردم نان خوب بخورند و هم تخفیف داده شده باشد بطوری نباشد که معلوم شود که در (۳۶) هزار تومان که دولت تخفیف داده است (۸) هزار خروار یا (۱۳) هزار خروار خاک در انبار داخل کرده اند .

**ادیب التجار** - در اینجا يك تکلیف بزرگی که کمیسیون تفتیش از مجلس شورای ملی خواسته است رای دادن در ۳۶ هزار تومان ضرر گندم است مادر وجوه جزئی صد تومان و پنجاه هزار تومان يك ساعت و دو ساعت وقت مجلس را تلف می کنیم بهتر اینست که در این وجه کلی که کمیسیون تفتیش پیشنهاد کرده است فوری تأمل کنید که